

هشدار امام!

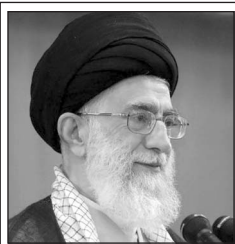
قلم شیطان

(... به همه آقایان می گویم با هم جنگ نکنید. روزنامه ها را بر نکنید از بدگویی از هم... انتقاد غیر انتقامجویی است. انتقاد، انتقاد صحیح باید بشود. هر کس از هر کس می تواند انتقاد صحیح بکند اما اگر قلم دستش گرفت انتقاد کند برای انتقامجویی، این همان قلم شیطان است...)

صحیفه نور، جلد ۱۳ صفحه ۷۸



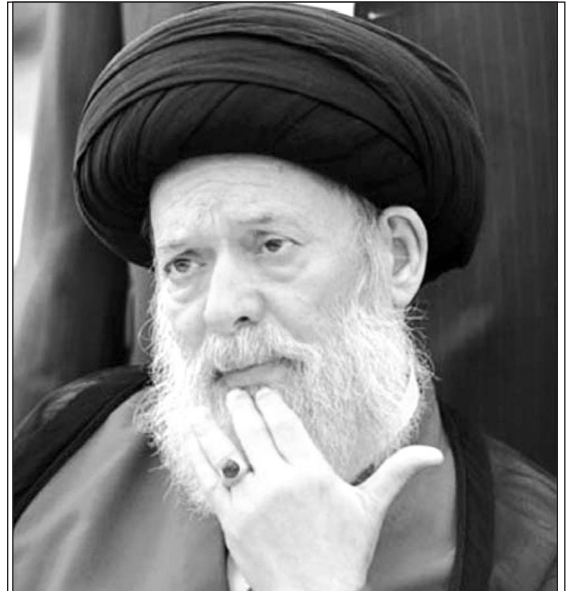
سال سی و یکم
شماره مسلسل ۱۳۸۴
نیمه دوم تیر ماه
و نیمه اول مرداد ماه ۱۳۸۹ ۲۰۰ تومان



حضرت آیت الله خامنه ای:
با دشمنان وحدت و امنیت کشور با قاطعیت و جدیت مقابله شود



عبرت از وقایع صدر اسلام، بهترین راه مقابله با مشکلات است
آیت الله تسخیری



مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی:
علامه فضل الله مجتهدی نواندیش و مصلحی بزرگ بود



نگاهی گذرا به فعالیت های علمی و فرهنگی آیت الله صابری همدانی



امام جمعه کوههدشت:
تقوا و زهد رمز موفقیت آیت الله مروجی بود



قضاوت در نظام ارزشی اسلام
آیت الله دکتر سید مصطفی محقق داماد



همزمان با سالگرد پیروزی حزب الله بر اسرائیل:
ناگفته هایی از زندگی دبیر کل حزب الله از زبان پدر

سازمان عفو بین الملل اعلام کرد:

ربوده شدن امام موسی صدر از موارد نقض حقوق بشر لیبی است

این نامه این است که در طول این سال ها، خانواده از عملکرد حکومت لیبی تصویری دارد که بارها در جلسات خصوصی و رسانه ها، آن را برای مقامات ایران توضیح داده و بیان کرده است به نظر خانواده، دولت لیبی، دولتی قابل اعتماد نیست و هرگونه همکاری درباره هر مسئله ای با لیبی خلاف منافع و امنیت کشور است. وی گفت: خانواده امام موسی صدر به دستگاه دیپلماسی کشور منتقد و معتقد است با وجود اینکه مقامات مسئول گفته اند هم روابط ایران و لیبی را گسترش می دهیم و هم قضیه را پیگیری می کنیم، اما فقط شاهد ایجاد روابط بوده ایم و به مسئله پیگیری پرداخته نشده است.

این شخصیت ها اصرار دارد. نامه به مراجع با وجود پیگیری جدی در لبنان، همواره نسبت به عملکرد دولت های ایران درباره امام موسی صدر انتقادهایی مطرح بوده است. آخرین مورد جدی این مسئله سفر منوچهر متکی در اسفندماه سال گذشته به لیبی بود که با انتقادهایی روبرو شد. یکی از این واکنش ها نوشتن نامه ای گله آمیز از سوی خانواده امام موسی صدر به مراجع عظام در انتقاد از عملکرد دستگاه دیپلماسی کشور درباره ارتباط با لیبی بود. مهدی فیروزان داماد امام موسی صدر این نامه را گله آمیز، دردمندانه و منتقدانه خواند و درباره علت نوشتن این نامه گفت: علت نوشتن

همچنین در این گزارش به اقدام پردامنه دولت لبنان و شرکت نکردن در نشست اتحادیه عرب در لیبی اشاره شده است. میشل سلیمان رئیس جمهور این کشور از شرکت در این اجلاس که اواخر مارس ۲۰۱۰ در لیبی برگزار شد، خودداری کرد. این اقدام پس از دعوت برخی سیاستمداران لبنانی برای تحریم این اجلاس به علت مسئولیت لیبی در ربودن امام موسی صدر و دو همراهش صورت گرفت. همچنین خواهر امام موسی صدر گفت که خانواده و دوستان امام موسی صدر به دلیل اینکه مسئله ربودن ایشان از دستور کار اجلاس خارج شده بود، خواهان شرکت نکردن مسئولان لبنانی در این نشست بودند. میشل سلیمان نیز در این باره به یک روزنامه لبنانی گفته بود سؤال اصلی این است که امام موسی صدر و همراهانش کجا هستند؟ ما جواب این سؤال را می خواهیم. ما با احساس مسئولیت با این موضوع برخورد خواهیم کرد، در مرحله دوم مصلحت لبنان و مصلحت کشورهای عربی را در نظر خواهیم گرفت. سلیمان تاکید کرده است لبنان آماده برقراری بهترین روابط با لیبی است اما بر روشن شدن سرنوشت

و اتیکان، ادعای رژیم لیبی مبنی بر خروج امام موسی صدر از آن کشور و ورود او به رم را رسماً تکذیب کردند. مجموعه اطلاعات آشکار و پنهانی که طی دو دهه پیش به دست آمده، نشان می دهد امام موسی صدر هرگز خاک لیبی را ترک نکرده است. عفو بین الملل در ادامه به تلاش های حقوقی اخیر در لبنان برای یافتن سرنخ از سرنوشت امام موسی صدر اشاره کرده است: در آگوست ۲۰۰۸ یک قاضی تحقیق لبنانی حکم جلب معمر قذافی، رهبر لیبی به همراه شش نفر دیگر را صادر کرد و آنان را مسئول ربودن امام موسی صدر و همراهانش دانست. پس از حکم این قاضی "سمیح الحاجب" بازپرس دادگستری لبنان، قذافی را به ربودن امام صدر و محمد یعقوب از یاران وی و عباس بدرالدین روزنامه نگاری که وی را در سفر به لیبی همراهی کرده بود، متهم کرد. البته پس از این مسئله، دولت لیبی مانند همه ۳۰ سال گذشته هرگونه ارتباط با این مسئله را رد کرد و علت این امر را تلاش برخی گروه های لبنانی برای ایجاد تشویش و متهم کردن قذافی با قضایای تروریستی دانست.

سازمان عفو بین الملل در گزارشی که به تازگی منتشر کرده است مسئله ربوده شدن امام موسی صدر را از موارد نقض حقوق بشر و از مسائل حل نشده حقوق بشری این کشور دانسته است. این گزارش با عنوان "لیبی فردا" منتشر شد، به تفصیل وضعیت حقوق بشر در لیبی را بررسی کرده است. در متن این گزارش آمده است: از دیگر موارد حل نشده ربودن که توجه و اهتمام بین المللی را برانگیخته، ربودن امام موسی صدر است؛ روحانی شیعه لبنانی که در ایران متولد شده است و با دو همراهش، شیخ محمد یعقوب و عباس بدرالدین حین سفر به لیبی در سال ۱۹۷۸ ناپدید شدند. مقامات لیبی ادعا کردند آنها دخالتی در ناپدید شدن این سه نفر نداشته اند و ادعا کردند دلایلی وجود دارد که آنها لیبی را به مقصد کشوری اروپایی ترک کرده اند. امام موسی صدر سوم شهریور سال ۱۳۵۷ و در آخرین مرحله از سفر دوره ای خود به کشورهای عربی بنا بر دعوت رسمی معمر قذافی وارد لیبی شد و نهم شهریور ماه ربوده شد. دستگاه های قضایی دولت های لبنان و ایتالیا و همچنین تحقیقات انجام شده از سوی

تسلیت

درگذشت عالم بزرگوار، مؤسس حوزه علمیه باقرالعلوم کوههدشت لرستان، آیت الله حاج شیخ ماشاءالله مروجی (مبلغی) را به خاندان محترم آن مرحوم، به ویژه حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای شیخ احمد مبلغی رئیس محترم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و مدیر بخش تحقیقات مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی - قم تسلیت گفته از خداوند متعال برای ایشان و همه بازماندگان آن مرحوم، اجر جزیل و صبر جمیل خواستارم. سید هادی خسروشاهی تهران - ۸۹/۴/۲۵

نگاهی به زندگی و فعالیت های علامه فضل الله

از کشورهای عربی خلیج فارس و لبنان اقدام به تاسیس مراکز و موسسات عظیم و پیشرفته ای برای تربیت یتیمان و به ویژه فرزندان شهدا و فرزندان فقرا و تاسیس بیمارستان ها و درمانگاه ها و مساجد کرد تا بتواند به مشکلات این اقشار آسیب پذیر بپردازد. در این مراکز خیریه، نیازمندان به طور شبانه روزی اسکان دارند و تحصیلاتشان را در بخش آموزشی همین مراکز می گذرانند.

فعالیت سیاسی

فضل الله پس از بازگشت به وطن پدری خویش (لبنان) در پی طرح صبغه سیاسی اسلام در جامعه مسلمانان لبنان برآمد، به گونه ای که اسلام گرایی سیاسی و مردم گرایی از وجوه بارز شخصیت او به شمار می آید.

زمانی که کشور لبنان مورد تهاجم رژیم صهیونیستی واقع شد، جوانانی که غالباً تحت تاثیر اندیشه و حرکت فضل الله بودند و گویا از پیش برای چنین دوره ای تربیت شده بودند، حرکت نامنظم و غیر تشکیلاتی مقاومت اسلامی را که بر خوردار از بدنه ای مردمی و مستحکم بود، به راه انداختند. این حرکت که امروزه حزب الله لبنان شکل سازمان یافته و اصلی ترین شاخه آن است، همواره از فضل الله تغذیه فکری و سیاسی می کرد و می گفت: وسایل ارتباط جمعی جهان همیشه از فضل الله به عنوان (رهبر معنوی حزب الله) یاد می کنند - اما وی انتساب تشکیلاتی و سازمانی خود را به هر گروه سیاسی ای رد می کرد و می گفت: این نامگذاری ناشی از این است که اغلب این برادران مبارز و مومن در نمازهای جمعه و جماعت که به امامت من تشکیل می شود یا در درس ها و سخنرانی های من حاضر می شوند که این را تداعی می کند که من سمت رهبری آنان را به عهده دارم.

در جریان انفجار مقر فرماندهی نیروهای آمریکایی و فرانسوی، رسانه های غربی انگشت اتهام را به طرف فضل الله گرفتند و او را مسوول این انفجارها معرفی کردند. جایگاه و نقش رهبری فضل الله در جنبش مقاومت اسلامی لبنان سبب شد تا یک بار بوده و چهار بار در معرض ترور قرار گرفت.

الاسلامیه بود. تا آن زمان جامعه سنی عراق از چند حزب و جنبش - مانند اخوان المسلمین و حزب التحریر الاسلامی - برخوردار بود. فضل الله کتاب های (قضایانا علی ضوء الاسلام) و (اسلوب الدعوه فی القرآن) را در چنین مرحله ای نگاشته است. وی پس از بازگشت به لبنان در سال ۱۹۶۶ فعالیت های علمی، فرهنگی و اجتماعی گسترده ای را در لبنان به راه انداخت که امروزه پس از ۴۵ سال از آغاز این فعالیت ها کارنامه پربراری از آن در ابعاد مختلف مشهود است. وی با برگزاری جلسات تفسیر و وعظ دینی و اخلاقی و برنامه های پاسخ به پرسش ها - که هنوز هم به صورت منظم تداوم دارد - توانست تحول عظیمی در چندین نسل پدید آورد و چنان که خود می گوید: افتخار تربیت غالب نیروهای مبارز و فعالان مذهبی شیعه را از آن خود نماید. تاسیس حوزه علوم دینی به نام المعهد الشرعی الاسلامی به هدف پرورش طلاب علوم دینی بخش دیگری از فعالیت های فرهنگی و علمی سید محمد حسین فضل الله است. وی در این مدرسه تدریس درس خارج اصول و فقه را بر عهده داشت. بسیاری از شخصیت های جنبش مقاومت اسلامی لبنان تربیت شده این مدرسه هستند. شهید شیخ راجب حرب از نخستین طلاب این مدرسه بود. وی علاوه بر المعهد الشرعی که در شهر بیروت واقع است، حوزه علمیه ویژه زنان را نیز در بیروت و حوزه ای نیز در صور و حوزه المرتضی در دمشق (سیده زینب) را تاسیس کرده است.

گذشته از فعالیت های علمی و فرهنگی و سیاسی ای که علامه فضل الله در لبنان و سوریه داشت، فعالیت های اجتماعی وی چنان گسترده بوده که کمتر منطقه ای از کشور لبنان را می توان یافت که اثر فعالیت اجتماعی وی در آن مشهود نباشد. شعله ور شدن آتش جنگ های داخلی و تجاوزات صهیونیست ها، گذشته از خسارت های جانی و مالی، مشکلات اجتماعی فراوانی را در پی داشت که مهم ترین آن سرنوشت مبهم یتیمان و فرزندان شهدا و فقرا و معلولان بود.

از این رو علامه فضل الله به کمک نیکوکارانی

علمی در آن مرحله بود تا جایی که توانست اعتماد آیت الله ابوالقاسم خوئی از مراجع تقلید شیعه را به خود جلب کند. فضل الله در سال ۱۹۵۲ میلادی در ۱۷ سالگی برای نخستین بار به قصد دید و بازدید خانوادگی به لبنان رفت و در این سفر که همزمان با اربعین درگذشت سید محسن امین عاملی بود، قصیده ای در رثای او سرود و در آیین یادبود او قرائت کرد. وی در این قصیده بسیاری از مسائل سیاسی روز و از جمله مساله وحدت و بیداری اسلامی و مهاجرت جوانان را مطرح و استعمار فرانسه را تقبیح کرد. روزنامه های آن روز لبنان این قصیده را تحریک کننده و احساس برانگیز توصیف کردند. در سال ۱۹۶۶ میلادی جمعی از موسسان انجمن مذهبی اسره التآخی منطقه نبه در حاشیه شرقی بیروت از فضل الله دعوت کردند تا در آن منطقه رحل اقامت افکند.

پویش فرهنگی و علمی علامه

سید محمدحسین فضل الله از سال های نخست نوجوانی، در کنار تحصیلات حوزوی مطالعات و فعالیت هایی را پی گرفت که در محیط بسته حوزه علمیه نجف چندان پذیرفته نبود وی با تعمیق و تداوم مطالعات ادبی و قرائت مجلاتی چون مجله الکاتب طه حسین اندک اندک به وجود قریحه شعر در نهاد خویش پی برد و شروع به سرودن شعر کرد. بعدها این قریحه چندان در او شکفت که حاصل آن در قالب سه دیوان شعر منتشر شد. در سال (۱۳۸۰ ق) جماعت العلمای نجف مجله ای فرهنگی - اسلامی را راه اندازی کردند که سید محمد حسین فضل الله در کنار سید محمد باقر صدر و شیخ محمد مهدی شمس الدین از مدیران آن بود و سر مقاله های سال دوم این مجله را با عنوان (کلمتنا) (سخن ما) به رشته تحریر در آورد. سرمقاله نخست انتشار این مجله را سید محمد باقر با عنوان رسالتنا (رسالت ما) نگاشته است. فضل الله به مدت ۶ سال به نگارش مقاله و تألیف کتاب ادامه داد و در کنار سید محمد باقر صدر در تشکیل جنبش شیعی در عراق نقش ایفا کرد. حاصل رایزنی ها و هم فکری های فضل الله و صدر، پیدایی نخستین جنبش اسلامی شیعی در عراق با نام حزب الدعوه

علامه سیدمحمد حسین فضل الله، مرجع تقلید شیعیان لبنان در ۷۵ سالگی درگذشت. این روحانی جلیل القدر از چندی پیش به دلیل بیماری کبد و خونریزی شدید معده در بیمارستان بهمن بیروت بستری و درحالت کما بود.

علامه فضل الله از جمله مراجع شیعه در لبنان بود که سال ها جهاد و مبارزه سیاسی و دینی را در کوله بار خود داشت و به یک قطب بزرگ فرهنگی در این کشور تبدیل شده بود. فضل الله با مشی مداراگرانه و خیرخواهانه خود همواره از یک سو از تمامیت ارضی و استقلال سیاسی لبنان دفاع می کرد و این امر را به فعالان سیاسی این کشور گوشزد می نمود و از سوی دیگر به عنوان یک روحانی مبارز از مقاومت اسلامی لبنان بویژه حزب الله بشدت دفاع می کرد. سیدمحمدحسین فضل الله با حوزه های علمیه ایران و عراق ارتباط نزدیکی داشت زیرا سال ها در عراق تحصیل کرده بود. این ارتباط به او اجازه می داد تا با آگاهی کامل از مسائل مبتلا به روز جهان اسلام به ویژه دنیای تشیع بتواند بموقع و با دادن فتوای راهگشا و جهت دار به حل مشکلات و برداشتن موانع پرداخته و پشتیبان این مذهب در شرایط مختلف باشد.

زندگینامه

سیدمحمدحسین فضل الله ۱۶ نوامبر سال ۱۹۳۵ میلادی در نجف اشرف چشم به جهان گشود. پدر وی علامه عبدالرؤف فضل الله برای فراگیری علوم دینی به این شهر مهاجرت کرده بود و سال های طولانی را به همراه خانواده اش در نجف اشرف گذراند. به این ترتیب فضل الله در بزرگ ترین حوزه علمیه در نجف اشرف پرورش یافت و از سنین خردسالی فراگیری علوم دینی را آغاز کرد. ایشان از محضر استادان بلندپایه آن زمان همچون حضرات آیات سید ابوالقاسم خوئی، سیدمحسن حکیم، سیدمحمود شاهرودی و شیخ حسین حلی استفاده نمود و درس فلسفه را نزد ملاصدرا یادگوبی، فرا گرفت. مدت ۵ سال نیز این درس را از سیدمحمد باقر صدر فرا گرفت و بعدها از یاران نزدیک او شد.

علامه فضل الله یکی از دانشجویان برجسته

علامه فضل الله:

رهبر انقلاب ایران در موضع قدرت

کردند این انقلاب را به عنوان انقلابی شیعی در برابر اهل تسنن قرار دهند. وی در بخش دیگری از این مصاحبه، حضرت آیت الله خامنه ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، را شخصیتی آگاه و روشنفکر دانست که به دلیل موقعیت ملی و مردمی ایشان در زمینه سیاسی و فرهنگی دارای تجربه ای فراوان است.

این مرجع شیعه، اخلاص و احاطه رهبر معظم انقلاب را نسبت به مسایل و بحران های پیچیده ای که استکبار جهانی، به ویژه آمریکا، بر انقلاب تحمیل کرده است از ویژگی های برجسته ایشان ذکر کرد و افزود: تقابل سیاسی ایشان با سیاست های تجاوزطلبانه آمریکا و رژیم صهیونیستی و حمایت از مقاومت برای آزادسازی فلسطین، لبنان و عراق، ایران را در موضع قدرت برای مبارزه با استکبار جهانی قرار داده است.

فضل الله همچنین درباره تاثیر معنوی و روحی انقلاب اسلامی بر مقاومت های مردمی در برابر استکبار تصریح کرد: انقلاب اسلامی زمینه را برای جنبش های اسلامی و میهنی باز

علامه فضل الله که دار فانی را وداع گفت پیش از این در مصاحبه ای انقلاب اسلامی ایران را زلزله ای سیاسی دانست و با تمجید از رهبر معظم انقلاب گفت: احاطه رهبر انقلاب به مسائل، ایران را در موضع قدرت برای مبارزه با استکبار جهانی قرار داده است.

علامه سید محمد حسین فضل الله چندی پیش در گفت و گو با فارس درباره تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر منطقه و جنبش های مردمی جهان گفت: این تاثیر به گونه ای بود که آمریکا و متحدانش از گسترش این انقلاب به شدت در هراس افتادند. طرح تشکیل حکومت اسلامی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار انقلاب اسلامی و مقابله با مستکبران باعث ایجاد جنبش اسلامی شد و هراس ابرقدرت ها را از این حکومت انقلابی بیشتر کرد.

وی تصریح کرد: به همین دلیل آنان برنامه ریزی گسترده ای برای محاصره تبلیغاتی این انقلاب آغاز نمودند و سعی کردند این نکته را به جهان عرب القاء کنند که انقلاب اسلامی، جنبش فارس زبانان برای تسلط بر جهان عرب است. از سویی دیگر در جهان اسلام نیز سعی

علامه فضل الله در آخرین

لحظات سقوط رژیم صهیونیستی را

آرزو کرد



مرجع عالی شیعیان در لبنان، در آخرین لحظات زندگی خود سقوط رژیم صهیونیستی را آرزو کرده است. علامه سید محمد حسین فضل الله در آخرین لحظات زندگی اش، آرزوی سقوط رژیم صهیونیستی را بر زبان آورد.

بر اساس این گزارش علامه فضل الله در آخرین لحظات زندگی اش، زمانی که پرستار از وی خواست تا کمی بیارامد، پاسخ داد: تا زمانی که اسرائیل سقوط نکند؛ نخواهم آرامید. سید موسی فضل الله برادرزاده مرجع عالی شیعیان در عراق با اشاره به این موضوع گفت که علامه در آخرین لحظات زندگی اش از پرستاران پرسیده بود که آیا زمان نماز صبح فرا رسیده است؛ پرستاران نیز به او گفتند که هنوز زمان آن فرا نرسیده است. علامه نیز ۳ مرتبه تکبیر گفته و به خواب رفته است و پس آن برای بار دوم خونریزی داخلی او اتفاق می افتد که در نتیجه آن دار فانی را وداع می گوید.

سید موسی فضل الله افزود: علامه همواره دو دغدغه مهم داشت که عبارت بودند از مقاومت در عراق و فلسطین و حفظ جمهوری اسلامی ایران.

کرد و آنها را در افق حرکت به سوی جهان اسلام قرار داد. این روحانی عالی قدر تاکید کرد: حتی برخی جنبش های اسلامی که تسلط صهیونیسم را بر سرزمین های اشغالی پس از جنگ سال ۱۹۶۷ میلادی پذیرفته بودند با پیروزی انقلاب قیام کردند و وجود دولت یهودی را در منطقه به طور کامل نفی کردند.

این مرجع شیعیان در لبنان افزود: انقلاب اسلامی نقش بزرگی در شکل گیری مقاومت مسلحانه علیه اسرائیل و سیاست های آمریکا و هم پیمانان آنها در منطقه داشت تا جایی که نیروهای مقاومت در لبنان توانستند پیروزی های چشمگیری در مبارزه با اشغالگران به دست آورند.

علامه فضل الله تاکید کرد: ایران همچنان به اصلی اسلامی که بر اساس آن شکل گرفته در زمینه سیاسی پایبند است و به حدی از رشد رسیده که آمریکا مجبور شده است برای کاهش فشار در عراق و افغانستان از این کشور درخواست مذاکره نماید.

یهودیان و یک دروغ تاریخی

علامه فضل‌الله در آخرین گفت‌وگوی خود پیش از درگذشتش، اظهار داشت: یهودیان براساس یک دروغ تاریخی فلسطین را اشغال کردند. دروغ آنها این بود که خداوند به آنها این سرزمین را بخشیده است. به گزارش خبرگزاری سایت شبکه الجزیره، مرحوم علامه محمد حسین فضل‌الله، مرجع تقلید شیعیان لبنان، در آخرین گفت‌وگوی خود پیش از درگذشتش تصریح کرد: دروغ یهودیان این بود که خداوند به آنها این سرزمین را بخشیده است تا در آن اقامت کنند و آن را سرزمینی مقدس و ویژه برای یهود تصور می‌کنند و ما معتقدیم که این طرز تفکر هیچ پایه و اساسی ندارد.

مرجع تقلید شیعیان لبنان ادامه داد: ما معتقدیم که یهودیان بر فلسطین تسلط یافته و سرزمین آنها را غصب می‌کنند و هر روز دست به کشتارهای وحشیانه علیه زنان و کودکان می‌زنند. علامه فضل‌الله تصریح کرد: آنچه که امروز در نوار غزه رخ می‌دهد، تنها رنج ساکنان نوار غزه را موجب شده است. آنها مانع دستیابی ساکنان نوار غزه به نیازهای عادی شان می‌شوند.

وی ادامه داد: ما معتقدیم که این مساله، یک مساله درگیری یهودی - اسلامی نیست، بلکه همان مساله تسلط ملتی بر ملت دیگر است. این مرجع تقلید شیعه درباره دیدگاهش در زمینه علل نگرانی و ترس از اسلام در غرب و پدیده اسلام هراسی تصریح کرد: این امر به تناقض منافع باز می‌گردد. من تصور می‌کنم که غرب منافع استراتژیک و اقتصادی در جهان اسلام دارد، به ویژه در کشورهایی که دارای ثروت‌هایی نظیر نفت و گاز هستند. وی خاطر نشان کرد: غرب از افزایش و گسترش نقش اسلام به طوری که این نقش خطری بر منافع و اوضاع اقتصادی اش است، نگران است.

علامه محمد حسین فضل‌الله خاطر نشان کرد: اسلام از مسلمانان می‌خواهد که بر ثروت‌های طبیعی که در اختیار دارند سرمایه‌گذاری کنند و از آن ثروت‌ها استفاده کنند تا غرب بر آنها تسلط نیابد. از این رو درگیری میان غرب و جهان اسلام به ویژه ملتی که به دنبال ثبات و آزادی هستند، حاصل می‌شود. این مرجع تقلید شیعیان در پاسخ به سوالی در زمینه اینکه منتقدان اسلام معتقدند مسلمانان زمانی که به قدرت می‌رسند از جهاد صحبت می‌کنند و دین را بر دیگران تحمیل می‌کنند، گفت: دین بر هیچ کس تحمیل نمی‌شود، اما شرایط معینی در جهان است که احتمالاً افراد متدین و مسلمانان مانند دیگران با آن روبرو هستند مانند چالش‌های اقتصادی و سیاسی. در این شرایط مسلمانان از خود دفاع می‌کنند، یعنی آنها در راه خدا مبارزه می‌کنند و ما با کسانی مبارزه می‌کنیم که ما را هدف قرار می‌دهند نه با کسانی که با ما صلح برقرار می‌کنند.

علامه فضل‌الله ادامه داد: اسلام بر هیچ کس تحمیل نمی‌شود و خداوند می‌فرماید با درایت مردم را به راه خدا دعوت کنید لذا باید از طریق شیوه‌های متمدانه نه با شمشیر و غیره مردم را به اسلام دعوت کنیم. وی شیدیدا از القاعده که مخالف اسلام و انسانیت است انتقاد کرد و گفت: هیچ توجیهی برای کشتن کسانی که با القاعده در زمینه مبارزه و نظرات‌شان مخالف هستند حتی اگر مسلمان باشند، از سوی این گروه وجود ندارد.

این مرجع تقلید شیعه تصریح کرد: هرگونه حمله به افراد بی‌گناه جایز نیست، آن هم تنها به این بهانه که مخالف آنها هستند. ما خواهان دوستی در جهان هستیم و می‌خواهیم که براساس احترام متقابل و منافع متقابل در جهان با یکدیگر تعامل داشته باشیم.

علامه محمد حسین فضل‌الله با بیان اینکه هیچ‌گونه روابط تشکیلاتی با حزب الله لبنان ندارد، افزود: این به آن معنا است که من به طور رسمی آن‌طور که غرب تصور می‌کند، رهبر این گروه نیستم. وی افزود: حزب الله لبنان نظر خود را دارد و ما نظر خود را. بعضاً با یکدیگر اختلاف نظر داریم و بعضاً با یکدیگر توافق داریم.

پیام تسلیت سران سه قوه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام به مناسبت درگذشت علامه فضل‌الله

متن پیام تسلیت رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام بدین شرح است: انالله و انا الیه راجعون

درگذشت عالم روحانی، آیت‌الله سیدمحمدحسین فضل‌الله، از مصادیق بارز اذامات العالم ثلم فی الاسلام ثلمه لایسدها شئی است. شخصیت مجاهدی که در خانواده‌ای روحانی و در محضر مراجع بزرگ نجف پرورش یافت و برای دفاع از حقانیت اسلام به سرزمین خویش لبنان برگشت و با حضور در گروه‌های جهادی، عالمی عامل شد. اهمیت جایگاه این شخصیت فقیه و نویسنده اجتماعی و سیاسی باعث چندین بار تلاش دشمنان صهیونیستی برای ترور شخصیتی و حذف فیزیکی ایشان شد که مدال جاننازی را بر سینه خویش آویخت. با تسلیت این مصیبت به مسلمانان، شیعیان، مردم لبنان، گروه‌های مقاومت و روحانیون جلیل‌القدر در سرزمین‌های اشغالی و لبنان و به ویژه بستگان و خانواده داغدار، علو درجات آن عالم جلیل‌القدر را از درگاه احدیت خواستارم و امیدوارم اندیشه‌های تابناک ایشان چراغ راه همه طلبه‌ها و کسانی باشد که آینده مجامع اسلامی را به دست می‌گیرند.

متن پیام تسلیت رئیس مجلس شورای اسلامی به شرح زیر است:

اذا مات العالم ثلم فی الاسلام ثلمه لایسدها شئی * ارتحال عالم جلیل‌القدر، مرحوم علامه مجاهد آیت‌الله سید محمد حسین فضل‌الله را که عمر شریف خود را در راه خدمت به اسلام عزیز و ملت شریف لبنان صرف کرد به همه مسلمانان، ملت و دولت لبنان به ویژه شیعیان آن کشور تسلیت عرض می‌نمایم. این مرد بزرگ با چشمانی تیزبین و فکری عمیق اوضاع را مراقبت می‌کرد و با آگاهی بخشی به موقع به مسلمانان سدی محکم را مقابل دشمنان می‌آراست. اینجانب از طرف خود و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی ایران این مصیبت را به خانواده معزز ایشان، ملت و دولت و پارلمان لبنان، شیعیان به ویژه برداران عزیز و ارجمندم حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین سیدحسین نصرالله و جناب آقای نبیه بری تسلیت عرض نموده برای بازماندگان و ملت لبنان سعادت و سرفرازی و برای آن مرحوم غفران و رضوان الهی مسالت می‌نمایم.

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی:

علامه فضل‌الله مجتهدی نواندیش و مصلحی بزرگ بود

و خود را خالصانه وقف خدمت به اعتلای کلمه حق، اتحاد مسلمین و تقریب مذاهب اسلامی کرده بود.

امت اسلامی مجتهدی نواندیش، مصلحی بزرگ، وحدت‌طلبی صادق، پژوهشگر قرآنی توانمند، رهبری سیاسی، فرزانه و اندیشمندی پربار در عرصه‌های گوناگون، مبلغی صادق که همه عرصه‌ها را در می‌نوردید تا صدای حق را برساند، و مجاهدی بزرگ که با صلابت و اقتدار در برابر استکبار جهانی صهیونیسم و توطئه‌های

رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب:

علامه فضل‌الله از معماران بزرگ وحدت اسلامی بود

بی‌نظیر جهان اسلام مواجه شد، اما مرحوم علامه فضل‌الله، این مدت را در نجف نماند و شاید به همین دلیل برخی افراد توانستند مناقشاتی را در خصوص افکارش مطرح کنند. رئیس مرکز خدمات حوزه‌های علمیه خاطر نشان کرد: با این حال علامه فضل‌الله در نوع خود کم‌نظیر و بی‌بدیل بود و از گستره بالای فعالیت‌های اجتماعی برخوردار بود.

وی ادامه داد: مرحوم فضل‌الله با حضور پر رنگ خود در سطح جهان اسلام و بهره‌مندی از شیوه‌های نو توانست لبنانی‌های مقیم در نقاط مختلف دنیا، مانند آمریکا، اروپا و استرالیا را

اتحادیه بین‌المللی امت واحده:

علامه فضل‌الله نماد یک عالم تقریبی و وحدت‌گرا بود

و مقابله با اسرائیل و آمریکا، مورد سوء قصد واقع شد و حتی در جنگ ۳۳ روزه منزل شخصی او مورد حمله واقع گردید اما این باعث نشد که او از مواضع شجاعانه خویش دست بردارد. به جرات می‌توان گفت که مساله‌ای در عالم اسلامی نبود که ایشان برای دفاع از مظلومان و مسلمانان در آن موضع‌گیری نکنند.

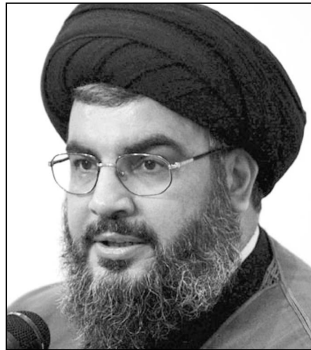
به عقیده نویسندگان این بیانیه، علامه فضل‌الله بلاشک نماد یک عالم تقریبی و وحدت‌گرا بود که به سیره نبی مکرم اسلام و ائمه هدی تسسک جسته بود و مدام بر لزوم حفظ وحدت مذهبی و سیاسی تاکید می‌ورزید.

اتحادیه بین‌المللی امت واحده با انتشار بیانیه‌ای تصریح کرد علامه فضل‌الله بلاشک نماد یک عالم تقریبی و وحدت‌گرا بود که به سیره نبی مکرم اسلام و ائمه هدی تسسک جسته بود و مدام بر لزوم حفظ وحدت مذهبی و سیاسی تاکید می‌ورزید.

در این بیانیه آمده است: آن بزرگوار در طول عمر خود همواره در میانه میدان مبارزه فکری و سیاسی و فرهنگی قرار داشت و با تلاش علمی و عملی برای عزت اسلام قیام می‌کرد. وی بارها به دلیل حمایت از حزب الله

همزمان با سالگرد پیروزی حزب الله بر اسرائیل؛

ناگفته هایی از زندگی دبیر کل حزب الله از زبان پدر



همزمان با سالگرد پیروزی حزب الله بر اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه، بر آن شدیم تا ضمن بررسی احوالات و زندگی پدر و مادر فردی که چند سالی است در کنار گوش صهیونیست ها لرزه سختی بر اندام آنها انداخته، از آنان بخواهیم تا از ناگفته های زندگی فرزندانمان برای ما سخن بگویند.

باورش برای ما هم سخت بود که پدر و مادر دبیر کل حزب الله لبنان که محبوب ترین رهبر جهان عرب به شمار می آید، در کوچه پس کوچه های باریک ضاحیه (جنوب) بیروت در ساده ترین وضع ممکن زندگی سپری کنند.

وقتی برای دیدار با سید ابوحسن نصرالله این پیر مرد ۷۵ ساله و همسرش در فقیرترین منطقه شهر بیروت رفتیم با خوشرویی و تواضع بسیار از ما استقبال و پذیرایی کردند و در دیداری دو ساعته از خاطرات عمر خود و تربیت سید حسن سخن گفتند.

به نظر می رسید سید حسن، سخنوری را از پدر به ارث برده و ذکاوت و حلمش را از مادرش؛ مادر دلسوزی که به علت کهنوت سن، حال چندین خوشی ندارد و حتی به سختی سخن می گوید.

آنان فرزندانمان را در کلامشان سید حسن خطاب می کردند و تصویری نقاشی شده از او را در گوشه اتاق گذاشته اند. اما بالای سرشان عکس امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری به همراه نوه شهیدشان هادی نصرالله مشاهده می شد و در گوشه دیگری از اتاق تصویری از شهید «عماد مغنیه» خودنمایی می کند. این عکس ها تنها تصاویری بود که در خانه پدر و مادر دبیر کل حزب الله مشاهده می شد؛ خانه ای که حتی در گرمای ۴۳ درجه تابستان لبنان از داشتن کولر محروم و تنها پنکه ای کوچک در گوشه اتاق است. آن هم در مدت دو ساعت حضور ما در منزلشان به علت قطع روزانه برق در ضاحیه تنها دقایقی کار کرد.

مشروح گفت و گوی ایرانا در پی می آید:

پدر بزرگ سید حسن نصرالله در برزیل

ابوحسن نصرالله در آغاز به شغل پدرانش که کشاورزی در روستای بازرویه در جنوب لبنان بود اشاره کرد و وضع زندگی خود را چنین تشریح کرد: پدرم به دلیل فشار اقتصادی ناگزیر شد برای کار به برزیل برود، اما در راه کشتی آنان غرق شد و از مجموع یک هزار و ۷۰۰ سرنشین کشتی تنها ۷۰۰ نفر جان سالم بدر بردند.

وی افزود: از آنجا که فرزندان مادرم به دلیل مشکلاتی مرده به دنیا می آمدند، پدرم قبل از ترک لبنان عهد کرد که اگر فرزندی که در شکم مادرم بود، زنده نماند هرگز به لبنان باز نگردد، اما پس از زنده ماندن کودک پس از چهار سال زندگی در برزیل به لبنان بازگشت.

وی به ماجرای چگونگی مهاجرتش به بیروت پرداخت و افزود: به سبب درآمد ناکافی کشاورزی در آن زمان ناگزیر شدم در سن ۲۰ سالگی برای کسب درآمد به بیروت بیایم.

ابو حسن با اشاره به اینکه در آن سال ها تعداد شیعیان در بیروت اندک و تنها حضور آنان در محله برج حمود شهر بیروت بود، افزود: فقر و نبود درآمد موجب شد تا به کار سبزی فروشی بپردازم و به تدریج از درآمد آن، وضعیت معیشتی ما بهبود پیدا کرد و توانستم در آنجا خانه و مغازه خریداری کنم.

ازدواج با ام حسن و چگونگی انتخاب نام حسن برای فرزند اول

وی با اشاره به ازدواج خود با خانمی از خانواده صفی الدین که آنان نیز از سادات بودند، افزود: مدت اندکی از ازدواج ما نگذشته بود که در ماه هفتم شی در روای صادقه دیدیم که دو سید نورانی به خانه ما آمدند و در کنار من نشستند و خطاب به من گفتند که چند تا فرزند

می خواهی؛ گفتم چند تا که دست من نیست، هر چی که خدا بخواهد؛ آنان پاسخ دادند فرزند نخست تو حسن، دومی حسین و سومی زینب است و سپس رفتند. فردای آن شب موضوع رویا را برای همسرم تعریف کردم و به وی گفتم که تو از این به بعد ام حسن هستی.

تفریحات سید حسن در دوران کودکی و نوجوانی

وی افزود: سید حسن فرزند بزرگ من است و از آغاز کودکی هم قانع بوده و هیچ گاه زیاده خواه نبود. سرگرمی سید حسن در کودکی بازی فوتبال و رفتن به جلسه ادب و علما و قرائت کتاب بود به طوری که قادر بود ۱۰۰ صفحه را حفظ کند.

ابوحسن نصرالله درباره خاطرات خود از دوران کودکی فرزندش افزود: از جمله ویژگی های پسر من همان دوره کودکی حافظه قوی و قدرت بلاغتش بود که در هر محفلی سخنرانی می کرد اعجاب همگان را بر می انگیزت چنانکه در ۱۴ سالگی در جمع بزرگان روستای بازرویه به دعوت شیخ روستا در مراسمی سخنرانی غرایبی کرد که اعجاب همه را بر انگیزت.

وی افزود: هنگامی که کودکی چهار ساله بود، عمامه بر سر می گذاشت و از پسر عموها و کودکان همسال خود می خواست با هم نماز جماعت بخوانند.

علاقه برای رفتن به حوزه و مخالفت پدر

پدر سید حسن افزود: قدری که بزرگتر شد، با علامه سید محمدحسین فضل الله آشنا شد که تازه از عراق بازگشته بود و در منطقه برج حمود برای کمک به شیعیان جمعیت خانواده و برادری را تأسیس کرده بود و در درس های وی نیز شرکت می کرد.

ابو حسن افزود: حادثه مهم زندگی سید حسن در این دوره که تازه ۱۴ ساله شده بود تصمیمش برای رفتن به عراق برای تحصیل علوم دینی بود و من با این کار مخالف بودم، زیرا انتظار داشتم که پسر بزرگم مهندس و یا وکیل شود اما وی به من گفت تحصیل علوم دینی و علوم روز منافاتی با هم ندارند و از ضلالت و گمراهی انسان جلوگیری می کند.

وعده محمدباقر صدر به نصرالله

وی افزود: پسر من در جوانی به عراق رفت و در درس آیت الله شهید سید محمدباقر صدر شرکت کرد و با دستان مبارک ایشان بود که عمامه بر سر گذاشت. از جمله خاطراتی که دیگران برای من درباره زمان حضورش در نجف تعریف کرده اند، شیفستگی سید محمدباقر صدر به سید حسن بود تا جایی که به وی گفته بود که مقام و شان تو در آینده عالی و انشالله از یاران مهدی (ع) هستی.

ابو حسن نصرالله افزود: این سخنان در من تاثیر فراوانی گذاشت، اگر چه پسر من واقعه را به دلیل تواضعش از من پنهان کرده بود. در عراق و در درس شهید صدر بود که با سید عباس موسوی رفیق و دوست و استاد خود و رهبر آینده حزب الله آشنا شد.

ماجرای ازدواج سید حسن در ۱۹ سالگی

وی افزود: سید نصرالله در بازگشت از عراق به لبنان در سن ۱۹ سالگی ازدواج کرد. در حالی که از مال دنیا چیزی نداشت و من نیز در موقعیتی نبودم که به وی کمک مالی کنم.

ابو حسن افزود: من از تصمیم وی به ازدواج تعجب کردم زیرا او در وضعیت مالی نبود که بتواند ازدواج کند و من نیز قادر به کمک به وی نبودم و در نهایت به اتفاق علامه فضل الله برای خواستگاری رفتیم. در راه علامه فضل الله به من گفت: نگران مشکل مالی نباش، درست است که پسر تو ۱۹ ساله است اما به اندازه یک انسان ۳۵ ساله عقلش می رسد و قادر به اداره یک ملت است.

دو باری که پدر برای پسرش ترسید

وی درباره ترور فرزندش که اسرائیل برای آن لحظه شماری می کند، گفت: من و مادرش هر شب در نماز

شب برای توفیق و سربلندی حسن و مصون ماندن وی از این توطئه ها دعا می کنیم، ولی راضی به مشیت الهی هستیم.

ابوحسن افزود: در عمرم دو بار برای جان فرزندم ترسیدم، یکبار هنگامی که از عراق بازگشته و لبنان در آغاز جنگ داخلی بود و ما نیز در محله مسیحی نشین ساکن بودیم. وی با لباس روحانی به آنجا آمد و آن زمان مسیحیان افراطی به جان مسلمانان در جنگ داخلی رحم نمی کردند و من حقیقتاً از اینکه بلایی سر او بیاورند، ترسیدم.

بار دیگر هنگامی بود که با هوایما از لبنان به عراق رفت، زیرا خبردار شدیم که یک هوایما در فرودگاه بغداد منفجر شده است و من باتوجه به شرایط آن زمان گمان می بردم او نیز در آن پرواز بوده است.

پسرمان را سالی یکبار می بینم

ابو حسن درباره دیدار با پسرش گفت: او را سالی یکبار می بینم و در صورت ضرورت تماس های ما با ایشان از طریق تلفن است زیرا تدابیر امنیتی که برای دیدار وی وجود دارد آنقدر دشوار و سخت است که انسان از دیدن وی پشیمان می شود.

وی درباره احساس خود در مورد اینکه فرزندش اکنون دبیر کل حزب الله افزود: از این امر احساس افتخار می کنم، ولی به رغم احترام مردم در کوچه و بازار، سعی می کنم هر کاری که دارم خودم انجام دهم و به کسی تکیه نکنم و به لحاظ مالی هم حقوق باز نشتستی که می گیرم کفایت می کند و تاکنون حتی از فرزندانم درخواست کمک مالی نکرده ام و به کسی نیاز مالی ندارم.

وی درباره شیوه اخلاقی سید حسن نصرالله گفت: اگر درخواستی از وی شود که پاسخی آن منفی است هیچ گاه نه نمی گوید و جواب منفی نمی دهد، بلکه می گوید صبر کن و یا کار را به خود من واگذار کن.

خاطره شیرین دیدار با رهبر معظم انقلاب

پدر سید حسن نصرالله با اشاره به سفر زیارتی خود به ایران و دیدارش با مقام معظم رهبری افزود: در سفرهای مکرر خود به ایران موفق به دیدار مقام معظم رهبری نشده بودم و حسرت آن در قلبم سنگینی می کرد، تا این که در سفر اخیر قبل از بازگشت به لبنان در آخرین لحظات در حالی که در مسیر فرودگاه امام خمینی (ره) بودیم از بیت رهبری تماس گرفتند و برای نماز مغرب و عشاء موفق به زیارت ایشان شدم.

وی افزود: در دیدار با آیت الله خامنه ای به ایشان گفتم که با عرض معذرت و خجالت من به زبان عامی صحبت می کنم و کسی که به زبان عامی صحبت می کند زبان عربی نصف زبان است و با سخن گفتن به زبان فصیح عربی است که زبان کامل است، ایشان تبسمی کردند و به سخنان من با همین زبان محلی لبنانی گوش دادند.

پدر سید نصرالله افزود: در دیدار با مقام معظم رهبری تنها درخواست من از ایشان کشیدن دست تبرک ایشان بر روی صورتم بود.

پدر سید حسن نصرالله که خود دارای طبع شعر و در نوجوانی از شعرای محلی لبنان بوده در پایان با خواندن شعری فی البداهه در توصیف امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری گفت. ترجمه این اشعار بدین شرح است: باغ به درختان تزئین شده بود - یک درخت با دو شاخه میوه عطر آگینی داد

یکی خمینی بود که دین را برای ما زنده کرد و دیگری سید علی بود که میان قلب و چشم ما جاداراد. سید نصرالله دو سال قبل به من گفت - سرگردان نباشید روی زمین دو حزب وجود دارد یکی حزب الله و دیگری حزب شیطان

تبریک می گویم به کسانی که رهبری با ایمان از درخت مبارک و پر برکت دارند که به عدالت شناخته شده است.

منبع: ایرنا

سالخوردگی متحدان غرب در

خاورمیانه؛ از مبارک ۸۳ ساله

تا عبدالله ۸۷ ساله

روی جلد آخرین شماره نشریه اکونومیست به مطلبی اختصاص یافته که در آن به نگرانی های فزاینده غرب در قبال تغییرات پیش روی کشورهای عرب همپیمان آنها در خاورمیانه اشاره شده است. به گزارش ی مهر، روزنامه القدس العربی در سرمقاله خود با عنوان نگرانی غرب از آینده مصر و عربستان که به قلم عبدالباری عطوان نوشته شده است، به بررسی تغییرات گریزناپذیر پیش روی خاورمیانه به ویژه در دو کشوری که به عنوان همپیمان اساسی غرب بشمار می روند، پرداخته است.

در این مطلب آمده است: اصولاً اینکه نشریه ای همچون اکونومیست که مغز متفکر ناظر بر نظام سرمایه داری غرب محسوب می شود و البته تحت سلطه آنگلساکسون ها قرار دارد بخش بزرگی از صفحات داخلی خود را برای بررسی مسائل داخلی مربوط به دو کشور عربی [مصر و عربستان] اختصاص دهد، مسئله ای کم سابقه است.

اکونومیست با اشاره به وخامت وضع جسمانی رهبران مصر و عربستان و کهنسال بودن هر دوی آنها (ملک عبدالله ۸۷ و حسنی مبارک ۸۳) می نویسد: مسئله زمانی نگران کننده می شود که در این کشورها و به ویژه مصر همچنان مسئله جانشینی مبارک و ملک عبدالله به صورت نهایی حل نشده است.

این نشریه غربی همچنین نهایی نشدن جانشینان آتی مبارک و ملک عبدالله را هشدار می دهد در زمینه آینده خالی از آرامش و ثبات در این دو کشور می داند.

سرمقاله نویس القدس العربی همچنین با اشاره به عکس روی جلد نشریه اکونومیست که در آن مبارک به شکل فرارنده مصر نشان داده شده که در حال فرو رفتن در خاک این کشور است، می نویسد: قطعاً نگرانی های غرب در قبال روند تغییرات پر شتاب مصر بیشتر از عربستان است و این تصویر در واقع بیانگر شرایط فعلی مصر است که در دگورگونی های پر سرعتی را تجربه می کند.

عطوان ادامه می دهد: در حال حاضر ملت مصر همگی به این استنتاج و دریافت رسیده اند که مرحله تغییر آغاز شده است، تغییری که دیر و زود دارد اما چاره ای هم از وقوع آن وجود ندارد. البته طبیعت نگرانی های غرب در مصر و عربستان به صورت بنیادی با یکدیگر متفاوت است، نگرانی هایی که در مصر ملموس تر به نظر می رسد.

بر این اساس آمریکا در سال های اخیر علاوه بر کمک دهها میلیارد دلاری از سوی کشورهای اروپایی، خود به تنهایی ۶۰ میلیارد دلار برای ابقای نظام مصر در خاورمیانه هزینه کرده است. همپیمانی که موجبات پیشبرد روند شکست خورده سازش را فراهم آورده و از طرفی موجبات جلوگیری از هرگونه تهدید امنیت اسرائیل را فراهم می آورد.

البته در عربستان شرایط کاملاً عکس است و طبیعت نگرانی های غرب در قبال روابط با قاهره کاملاً در ارتباط با ریاض متفاوت است. بر این اساس، این عربستان است که صدها میلیارد دلار در قراردادهای تسلیحاتی با کشورهای غربی هزینه کرده است. از طرفی املاک، سهام و زمین های آنها را برای حمایت از اقتصاد کشورهای غربی خریداری می کند.

چرا ترکیه مورد تهاجم دشمنان قرار گرفته است؟

نویسنده: احمد الفلو

پروراندند و پارلمان ترکیه نیز اعطای این آزادی ها را به تصویب رساند. نمایندگان کردها در پارلمان ترکیه از آزادی بیان کامل برخوردارند و دولت کنونی ترکیه اوضاع کردها را به خوبی درک می کند ولی متأسفانه برخی از رهبران کرد دایما تحرکات و تحریکاتی علیه ترکیه انجام می دهند و در جهت تقویت تروریسم گام بر می دارند و احزاب مارکسیستی در این زمینه بسیار فعال هستند و بیش از سایرین دست به خیانت می زنند و حزب کارگر کردستان نیز از نظر سیاسی و نظامی در خدمت دشمن صهیونیستی است. در فلسطین نیز مارکسیست ها هنگامی که مقاومت زمام امور در غزه را در دست گرفت و مقاومت به آنان پیشنهاد کرد که در دولت وحدت ملی مشارکت کنند، آنان به مخالفت برخاستند و خودشان را به محمود عباس فروختند و به همکاری و هماهنگی امنیتی با رژیم صهیونیستی پرداختند.

مخالفت ترکیه با منزوی ساختن جنبش حماس و اصرار این کشور بر تعامل با این جنبش به عنوان دولت و قدرت قانونی و منتخب مردم خشم آمریکا و اسرائیل و هواداران آن ها از جمله دولت مصر و تشکیلات عباس بهایی و نیروهای راستگرای منافق را که دشمن گرایش های اسلامی ترکیه اردوغان هستند، برانگیخت. بر همین اساس ترکیه بهای سنگینی را به خاطر توطئه و دیسه های آمریکا و صهیونیست ها و طرفداران آن ها پرداخت کرده است و این دشمنان پیوسته تلاش می کنند که تا تجربه واقعی دمکراسی آزاد را در فلسطین و ترکیه زنده به گور کنند زیرا این تجربه ها حاصل انتخاب واقعی مردم هستند و کالای وارداتی از غرب نیستند. در اکتبر سال ۲۰۰۶ پارلمان فرانسه قانونی را به تصویب رساند که بر اساس آن هر کس که کشتار ارانیه به دست ترک های عثمانی را نفی کند باید زندانی و مجازات شود. بدین ترتیب فرانسوی های صهیونیست دشمنی خود را اسلام آشکار کردند و باز می بینیم که فرانسه از پخش شبکه الاقصی جلوگیری می کند تا از پخش جنایات صهیونیست ها علیه فلسطینیان مانعت به عمل آید و اشغالگران بیشتر در جهان رسوا نشوند.

پیشرفت های اقتصادی ترکیه گواهی بر موفقیت آمیز بودن تجربه اقتصاد اسلامی و موفقیت خاص آن است که بر اساس اصول سودآوری اسلامی و غیر ربوی شکل گرفته است و همین پیشرفت ها و جهش های اقتصادی نگرانی سکولارها و لائیک ها و دوستان یهودیان آنان را برانگیخته است و آنان تلاش می کنند تا به انحای مختلف مردم را از اسلام گراها بترسانند زیرا همین عده بودند که از طریق پرداخت وام سودهای کلانی را نصیب خود می کردند و در دوران اقتدار آنان میانگین رشد اقتصادی سالانه نیز در بهترین شرایط از ۲ درصد تجاوز نمی کرد و قبل از سال ۲۰۰۳ یعنی قبل از به قدرت رسیدن حزب توسعه و عدالت، ترکیه اقتصاد بیمار و طفیلی و مصرفگرا داشت ولی پس از به دست گرفت قدرت از سوی این حزب اوضاع تغییر کرد و این حزب با برنامه ریزی هوشمندانه و استوار و به دور از فساد و رشوه و راهزنی اقتصادی و باندهای دولت های قبلی توانست به رونق اقتصادی این کشور بپردازد. اسلام گراها ظرف هفت سال حکومت توانستند تولید را فعال سازند و صنایع را تقویت کنند و کشاورزی را گسترش دهند و سرمایه های کشورهای اروپایی و عربی و اسلامی را به سوی خود جذب کنند و بانک های اسلامی بزرگی را در این کشور افتتاح نمایند. دولت اردوغان توانست سرچشمه بسیاری از فسادهای دولتی و جرم و جنایت و انحرافات را بخشکاند و در مسیر جامعه و اقتصاد سالم گام بردارد.

برنامه های اقتصادی حماس نیز بسیار شبیه به برنامه های اقتصادی اردوغان می باشد زیرا این جنبش نیز می کوشد وابستگی اقتصادی به رژیم صهیونیستی را قطع کند و همین موجب شده است تا نیروهای شر علیه این جنبش متحد شوند و با هم همکاری کنند و این منطقه مورد محاصره قرار گیرد.

تلاش های جنبش صهیونیسم برای بازگرداندن ترکیه به زیر چتر آمریکا و ممانعت از پیوستن ترکیه بزرگ به امت عربی و اسلامی و تلاش محور اسرائیلی و مصری و اسلویی برای بازگرداندن نوارغزه به آغوش صهیونیست های اشغالگر هرگز متوقف نشده است و در آینده نیز ادامه خواهد داشت ولی چیزی که صهیونیست های گرگ صفت آن را فراموش کرده اند این است که زمان به عقب باز نخواهد گشت و زمان پیروزی های مسلمانان فرارسیده است و چنین امری پایدار خواهد ماند.

نادرست است اگر تحولات سیاسی داخلی و خارجی ترکیه را صرفا تلاشی در جهت بازگرداندن شکوه و عظمت دولت عثمانی بدانیم و یا آن را کوششی در جهت ایفای نقش داخلی برای دستاوردهای انتخاباتی و یا ایفای نقش منطقه ای و بین المللی دولتی بدانیم که خود را در منطقه مهم و تاثیرگذار می داند بلکه درست آن است که رهبران ترکیه به عنوان نمایندگان حزب عدالت و توسعه که در نوک هرم قدرت و دولت ترکیه قرار دارند بر اساس انگیزه ها و عوامل فکری و فرهنگی و سیاسی و اقتصادی در چنین جایگاهی جای گرفته اند و باید نیروی سیاسی مردمی حقیقی باشد تا بتواند به خواسته های ملت ترک به درستی پاسخ دهد. بنابراین ما می توانیم به روشنی بگوییم که رهبری حزب عدالت و توسعه و قرار گرفتن آن در سمت های سیاسی حساس برای نجات ترکیه از فروپاشی بسیار ضروری بود و هست و برسرکار آمدن این حزب در واقع پاسخی به خواسته های مردم است البته تا زمانی که این مسئولان به مسئولیت های ملی و دینی خود عمل کنند. آن چه در ترکیه رخ داده است در واقع همان چیزی است که در فلسطین رخ داد و مردم جنبش حماس را برای به عهده گرفتن مسئولیت مهم دولت انتخاب کردند و به آن رای دادند.

آمریکا و اسرائیل و همپیمانان آنان شمال عراق را در سال ۱۹۹۱ تقسیم کردند و آن را اقلیم کردستان نام نهادند و تشکیلات سیاسی را در آن جا ایجاد کردند و سپس با مصوبه سازمان ملل به این تقسیم بندی به بهانه حمایت از اکراد در برابر ستم صدام رسمیت بخشیدند. رهبران کردها منافع خاص خود را به زیان ملت کرد عراق ترجیح دادند و شیوه خاصی را دنبال کردند و علی رغم این که رهبران کرد دایما می گویند که اقلیم کردستان بخشی از عراق است ولی این اقلیم در واقع جدا شده از این کشور است و برای خود پرچم و نشان و سرود و رییس و پارلمان و نیروهای امنیتی ویژه ای دارد و روابط مستحکم و همکاری امنیتی و اطلاعاتی ویژه ای نیز با رژیم صهیونیستی و دشمنان ملت فلسطین دارد و این موجودیت در واقع هسته دولت کردستان موعودی به شمار می رود که شامل کردهای سوریه و عراق و ایران می شود.

واقعیت این است که به وجود آوردن این نظام سیاسی در شمال عراق وارد آوردن خنجر از پشت به ترکیه است زیرا در این منطقه نزدیک به ۵ هزار مسلح از اعضای حزب کارگر ترکیه مستقر هستند و کارشناسان اسرائیلی و جنبش فتح به آموزش آنان می پردازند و این منطقه را به صورت پایگاهی برای حمله به اراضی ترکیه در آورده اند. در این جا باید یادآور شوم که محمود عباس رییس تشکیلات فلسطینی نیز در سال ۲۰۰۹ از این منطقه دیدن کرده است که در واقع در راستای همکاری های امنیتی با اسرائیل بوده است و نیروهای آموزش دیده نظامی جنبش فتح نیز در همین راستا به آموزش چریکی اعضای حزب کارگر کردستان ترکیه و سوریه می پردازند و در مقابل شرکت های وابسته به فرزندان محمود عباس امتیاز برخی از ساخت و سازها را در کردستان عراق به دست آورده اند و ما مشاهده کردیم که چگونه پس از کاهش سطح روابط ترکیه با اسرائیل حملات حزب کارگر کردستان علیه ترکیه نیز افزایش یافت.

ترکیه بر این باور است که گسترش و تعمیق روابط با همسایگان عرب خود در منطقه موضوع اساسی مهمی است که باید به آن به درستی پرداخته شود. بر همین مبنا در حمله نظامی برای اشغال عراق مشارکت نکرد و به نیروهای آمریکایی اجازه نداد برای حمله به عراق از خاک این کشور استفاده کنند و بعد از اشغال نیز ترکیه تقسیمات کنونی عراق را به رسمیت نشناخت. ترکیه مشارکت در تلاش های آمریکا برای منزوی ساختن سوریه و محاصره این کشور و متهم ساختن سوریه در دست داشتن در ترور حریری را نپذیرفت. بنا بر این عملیات تروریستی اخیر پ ک ک به پایگاه دریایی اسکندرون از طریق خاک کشور سوریه صورت گرفت تا شکافی میان دو کشور برادر سوریه و ترکیه ایجاد شود. جاسوسان و مزدوران در سوریه دست به فتنه و آشوب می زنند تا امنیت و آرامش در سوریه را به سود منافع دشمن صهیونیستی برهم بزنند.

اردوغان به کردهای ترکیه آزادی های فرهنگی و سیاسی زیادی داده است که حتی کردها روای آن را در سر نمی

چرا حکام عرب از جنبش حماس می هراسند؟

نویسنده: جمال ابوریده

هر روز دولت کنونی اسرائیل به خصوص مثلث دولت راستگرای تندروی متشکل از نتانیا هو، لیبرمان، ایالون افکار عمومی جهان عرب را با اظهارات عجیب خود شگفت زده می کنند. این دولت بارها اعلام کرده است که دولت های عرب از اسرائیل می خواهند تا موضع شدیدتری نسبت به جنبش حماس اتخاذ کند.

در آخرین مورد از موارد مذکور روزنامه هآرتص اسرائیل از زبان نخست وزیر، بنیامین نتانیا هو می نویسد: تعدادی از کشورهای عرب به شدت با لغو محاصره دریایی تحمیلی علیه نوارغزه و تاسیس بندر در سواحل غزه مخالفند. این گونه اظهارات شهروندان عرب را بسیار شگفت زده و متحیر می سازد و سوالاتی را در اذهان آنان مطرح می سازد که ما برای نمونه به برخی از آن ها در زیر اشاره می کنیم:

۱- چرا دولت های عرب جنبش حماس را دشمن خود می دانند؟
۲- چرا این دولت ها در پشت دولت اشغالگران مخفی شده اند و صهیونیست ها را علیه جنبش حماس تحریک می کنند؟
در این زمینه سوالات زیادی مطرح است که نمی توان همه آن ها را مطرح کرد و ما در این جا تنها به همین دو سوال اکتفا می کنیم و به همین دو سوال نیز پاسخ می دهیم.

در مورد پاسخ به سوال اول به باور من علل و عواملی موجب شده است تا دولت های عرب حماس را دشمن خود بدانند و این علل عبارتند از:

۱- این دولت های مشروعیتی ندارند و بر اساس اصول دمکراتیک و انتخابات آزاد و شفاف شکل نگرفته اند و از حمایت مردمی برخوردار نیستند و هیچکس نمی تواند در مورد عملکردشان آنان را مورد مواخذه و بازخواست قرار دهد به گونه ای که نهادها و موسسات این دولت ها خالی از محتوا و تشریفاتی و بی اساس می باشند.

۲- جنبش حماس از بطن این دولت ها خارج نشده است بلکه از عمق جامعه و ملت برخاسته و از طریق انتخابات سالم و شفاف شکل گرفته است. چیزی که سایر دولت های عرب از آن بی بهره اند.

۳- جنبش حماس گزینه جهاد و مقاومت را برای آزادی فلسطین برگزیده است و چنین گزینه ای با گزینه های دولت های عرب در تعارض است زیرا آنان شعار صلح گزینه راهبردی را انتخاب کرده اند و بر همین مبنا عمل می کنند.

۴- ناتوانی دولت های مذکور از بهره برداری از حماس و ناکامی آن ها در وادار کردن این جنبش به اطاعت از آنان. در این جا برای تأکید بر این نکته می توان به موضع گیری های ثابت حماس در مورد موضوعاتی همچون آشتی ملی، اسارت نظامی اسیر اسرائیلی و لغو محاصره اشاره کرد.

۵- حجم حمایت مردمی رو به افزایش از جنبش حماس در سطح منطقه عربی و جهان اسلام و سرتاسر جهان موجب نگرانی هایی برای دولت های عربی شده است.

اما در مورد سوال دوم یعنی پنهان شدن دولت های عرب در پشت رژیم اشغالگر و تحریک صهیونیست ها علیه این جنبش به باور من این امر به ترس این دولت ها از افکار عمومی باز نمی گردد زیرا این دولت از طریق سرویس های امنیتی خود که پیوسته تحرکات مردمی را زیر نظر دارند بر ملت های خود مسلط هستند. آنان از این طریق می خواهند به طور رایگان به اشغالگران خدمت کنند و وفاداری خود را نسبت به آنان و حامیانشان در غرب به اثبات برسانند و رضایت آنان را بیشتر جلب نمایند زیرا آن گونه که پیداست این اشغالگران و حامیان آنان هستند که با حمایت های همه جانبه خود این حکام را چند صباحی بر سر قدرت نگه داشته اند.

دولت های عرب سخت در اشتباهند اگر بر این باور باشند که محاصره تحمیلی نوارغزه می تواند جنبش حماس را تضعیف کند. واقعیت های کنونی خلاف این تصور را به اثبات رسانده است. محاصره منطقه آوازه جنبش حماس را در جهان پخش و منتشر کرده و این جنبش توانسته است حمایت بخش وسیعی از افکار عمومی را به دست بیاورد. اعزام پیاپی کاروان های کمک رسانی از راه خشکی و دریا به نوارغزه نشانگر ناکامی طرح محاصره برنامه ریزی شده برای نابودی جنبش حماس و یا تضعیف آن است و رویایی است که دولت های عرب آن را در سر می پروراندند.

حکام عرب باید به خوبی درک کنند که حلقه های محاصره در حال گسستن است و به زودی محاصره پایان می یابد زیرا این موضوع اکنون بر وجدان جهانیان تأثیر گذاشته است و جهانیان روز به روز به حجم درد و رنج محاصره پی می برند. در بیانیه اخیر کمیته بین المللی صلیب سرخ صراحتاً آمده است: محاصره نوارغزه نقض قانون بشردوستانه بین المللی بر اساس توافق چهارم ژنو در سال ۱۹۴۹ است و صدها مدرک و سند از سوی نهادهای بین المللی در مورد مجرمانه بودن محاصره تحمیلی علیه نوارغزه در دست است. به باور من دولت اشغالگر نمی تواند از بعد از این در برابر چشم و خشم جهانیان به محاصره غزه ادامه دهد و آرزوی حکام عرب در مورد نابودی حماس نیز بر باد خواهد رفت.

قضاوت در نظام ارزشی اسلام

آیت‌الله دکتر سیدمصطفی محقق داماد



اسلام مجموعه بزرگی از نظامات ارزشی است و قضاوت و دادرسی در آن نقشی عمده و برجسته دارد. نگاهی به احوال رسول اکرم (ص) و خلفای راشدین نشان می‌دهد در دیدگاه آنان اموری نظیر نظام و فرماندهی لشکر و مملکت داری و غیره هرگز ارجح و ارزشی همدوش اهتمام به دادرسی و رسیدگی به تظلمات اهمیت نداشته است و به همین جهت در صدر اسلام، شخص رسول اکرم (ص) و بعدها خلفای راشدین شخصاً کفالت امر قضا را به عهده داشتند. جامعه ساده و محدود اسلام عصر حضرت پیغمبر (ص) بعد از رحلتش، خصوصاً در زمان خلیفه دوم گسترش یافت و با پیروزی حکومت اسلامی بر ممالک و امپراتوریهای بزرگی نظیر ایران و روم و قسمت‌هایی از اروپای کنونی و شمال آفریقا و مصر که هر یک دارای سوابق تاریخی طولانی و سنت‌های جا افتاده و پخته‌ای بودند و در درجات متفاوتی از سطوح تمدن قرار داشتند، لزوم نصب قضات برای کشورها و ولایات مفتوحه بیش از پیش احساس گردید. خلیفه دوم به گواهی تاریخ اولین کسی است که به این کار اقدام کرد و بعد از او نیز با توجه به گسترش بیش از پیش محدوده حاکمیت اسلام، نصب و انتخاب قضات مختلف برای کشورهای تحت فرمانروایی اسلام بیش از پیش احساس شد. همان‌گونه که گفته شد، اهمیت و حساسیت منصب قضا به حدی بود که شخص رسول اکرم (ص) و بعدها خلفا در آن مباشرت می‌کردند و بعد از پیدایش ضرورت نصب قضات نیز، علی‌الاصول متقی‌ترین و باسوادترین فقها و دانشمندان برای تصدی این مهم در نظر گرفته می‌شدند. حساسیت شغل قضا از اینجا ناشی می‌شد که آنها می‌بایست حدود الهی را جاری کنند که لازمه‌اش فهم و درک مقررات و موازین شرعی و قدرت تطبیق فروع بر اصول است.

اهمیت حکم قاضی

تاریخ اسلام نشان می‌دهد که زمامداران و حکام علی‌رغم موارد معدود، طوعاً یا کرهاً ناچار به حفظ و رعایت حریم قضا بوده‌اند و این احترام به شرحی که گذشت، ریشه در جای دیگری دارد؛ یعنی چون دستمایه اصلی کار قاضی حل و فصل اختلافات و اجرای حدود بر اساس موازین الهی بوده و لزوماً به علت توجه عمیق مسلمانان به این موازین، عدم توجه و مراعات آن، علی‌رغم استبداد حکام جور نیز چندان ساده نبوده است. براساس این واقعیت است که می‌بینیم خلفای عباسی در اوج قدرت خود به احکام قضاتی نظیر ابویوسف گردن می‌نهند. ابن اثیر می‌نویسد: وقتی شهر سمرقند مسیحی نشین در زمان عمر بن عبدالعزیز توسط فرمانده قوای اسلام با شیبخون و خلاف مقررات اسلام در مورد جنگ، تسخیر شد، مردم مسیحی از این جهت به خلیفه شکایت بردند. او نیز آنان را به ابن حاضر بلخی - قاضی وقت - ارجاع داد؛ قاضی مذکور پس از رسیدگی و احراز حقانیت مردم شهر، حکم علیه اقدامات جنگی و لزوم به تخلیه شهر داد و خلیفه آن حکم را پذیرفت و به مورد اجرا گذاشت و مردم که این گونه رفتار دیدند، اسلام آوردند.

شخص پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) در مدافعات معمولی به قاضی مراجعه می‌کردند و جالب‌تر اینکه حکم علیه آنان صدور یافته و به آن گردن نهاده‌اند که داستان اختلاف حضرت علی

علیه السلام با مردی عرب در مورد زره مشهور است.

مقایسه نظام قضایی اسلام با اروپا

هنگامی که ممالک اروپایی روزگار جهل و تاریکی خود را می‌گذراندند، نظام قضایی اسلام به صورت یک مجموعه دارای احکام و قواعد و اصول مشخص و انسجام درونی منطقی و قادر به پاسخگویی به نیازهای فزونی گیرنده روز در عرصه تمدن جهانی قد برافراشت. واقعیت این است که تمدنهای همجوار - نظیر مصر و ایران و روم - از جهت سطح معیشت و شیوه‌های تولید نسبت به خاستگاه اسلام یعنی عربستان، برتری چشمگیری داشتند، با وجود این، هرگز دارای یک نظام قضایی مبتنی بر عدل و قسط نبودند. این جوامع رفاه زده مقارن ظهور اسلام، دوران فروپاشی و اضمحلال خود را طی می‌کردند و حکام و سلاطین این ممالک بدون اینکه پروای مسائل و مشکلات مردم را داشته باشند، زندگیهای پر از رفاه و افسانه‌ای برای خود ترتیب داده بودند. شتاب شکست‌انگیز نشر اسلام نشان می‌دهد که رمز پیروزیهای قوای اسلام در فنون نظامی نهفته نبود، بلکه شعارهای مساوات طلبانه و عدالت خواهی ذاتی موازین ارزشی اسلام توده‌های مردم این ممالک را شیفته خود ساخته بود و عدم اعتقاد به نظامات فرسوده سابق، دژهای به ظاهر سنگین را به سهولت مغلوب اسلام می‌ساخت. در واقع اسلام در عصری ظهور کرد که تمدنهای دیگر، روزگار رخوت خود را می‌گذراندند و به علت پویایی درونی خود بود که بر رقبای غلبه می‌کرد.

هنگامی که اروپا از روشهای منسوخ و کهنه برای اثبات اتهامات و مجرمیت استفاده می‌کرد، حقوق اسلامی بر اساس موازین مدون و روشن و تکیه بر سیستم ادله، اختلافات را حل و فصل می‌کرد و به مجازات مجرمان می‌پرداخت. اصول مربوط به مساوات قانونی، برائت، شخصی بودن مجازاتها و قبح عقاب بلابیان و دهها اصل و قاعده روشن که اجزای نظام حقوقی اسلام را تشکیل می‌دهد، قرن‌ها در اروپا ناشناخته بود و طرح و تکوین این مفاهیم در حقوق غربی تا اندازه زیادی مرهون فرهنگ و تمدن اسلامی است.

ظهور اسلام با بعثت پیغمبر اکرم (ص) با سال ۶۱۵ میلادی مقارن است. در این تاریخ حدود یکصد و پنجاه سال از سرنگونی دنیای مسیحیت آن روز در روزگار تاریک و ظلمانی قرون وسطی می‌گذشت و مقدر بود تا اروپا که زیر سیطره مسیحیت به سر می‌برد، نهصد سال دیگر با این تیرگی‌ها دست به گریبان باشد. (ابتدای قرون وسطی سال ۴۷۶ م و پایان آن ۱۴۵۰ تا ۱۵۰۰ م است). در این دوران نه تنها انسانها حقوقی نداشتند و با آنها چون بردگان رفتار می‌شد و از مساوات و برابری خبری نبود، بلکه احقاق حق در قبال زورمندان و آزمندان و آبای کلیسا و سخن گفتن علیه مصالح آنها، مجازاتی در حد شمع آجین شدن یا سوختن در خرمن آتش داشت!

میزان تشخیص درجه گناهکاری و اثبات مجرمیت، بدون اتکا به ادله اثباتی یا منطقی، بر معیار قیافه‌شناسی و عیب و نقص ظاهری بدن انجام می‌شد؛ چه بسا بی‌گناهی که بر اثر نقص جسمانی یا عدم هماهنگی اندام بدن در آتش مجازات می‌سوختند یا به زندانها و سیاهچالها افکنده شدند تا زندگی تیره خود را در زندانهای تیره سپری سازند. نام گازیمدو بر دیواره سنگی باستیل - که انگیزه نوشتن کتاب عتاب‌آمیز ویکتور هوگو به نام گورزپشت نتردام شد - در حقیقت فریادی علیه این نوع قضاوت و داوری بود.

متأسفانه مبانی این نوع قضاوت که هیچ نوع منشأ عقلی و انسانی نداشت، در کتاب انسان مجرم* جزاوه لومبروزو - به اصطلاح جرم‌شناس و طبیب ایتالیایی (۱۹۰۵ - ۱۸۳۵) - شکل پذیرفت و سالها ملاک قضاوت و میزان عدالت قرار گرفت. شیوه اردنال* حتی تا قرن ۱۴ میلادی یعنی هفت قرن پس از ظهور اسلام در اروپا ادامه داشت. شیوه اردنال عبارت است از: آزمایش الهی. آنان معتقد بودند که خداوند فرد بی‌گناه را از طریق غیبی نجات خواهد داد. شیوه مزبور به گونه‌های مختلف اعمال می‌شد؛ از جمله آنکه متهم را به آب می‌افکندند؛ چنانچه آب او را بیرون می‌انداخت، مقصر بود و اگر در خود فرومی‌برد، او را با طنابی که به دستش بسته بودند، بیرون می‌کشیدند و تبرئه می‌شد!

طریق دیگر این بود که آهن گداخته را به دست او می‌دادند که آن را ۹ فوت حمل کند. اگر دستش عفونت نمی‌کرد، بی‌گناه بود و اگر عفونت می‌کرد، مقصر شناخته می‌شد! پس از ظهور عصر روشنگری در اروپا و پدیدار شدن اصحاب دائره‌المعارف به زعامت دیدرو و سایر روشنفکران چون لاک، منتسکیو و ژان ژاک روسو، کلماتی چون انسان ذی حق، آزادی، حقوق فطری آنها، آرام آرام شکل گرفت و در اذهان آن روزگار نفوذ کرد. همین تعلیمات و روشنگریها، زمینه ساز انقلاب کبیر فرانسه به سال ۱۷۸۹ میلادی شد. انقلابیون به سال ۱۷۹۱ توسط مجلس مقنن شهامت یافتند که کلمات آزادی - برابری - برادری را شعار خود نمایند. این بیان درست حدود ۱۲ قرن (سال ۱۱۷۶) پس از ظهور اسلام بود. اروپا به تدریج می‌خواست راهی را از میان سنگلاخها به زحمت بگشاید که اسلام ۱۲ قرن قبل آن را پیموده بود و این شعارها را عملاً به موقع اجرا گذاشته بود. با این بیان حق داریم ادعا کنیم که: اروپا به راهی گام گذاشت که قرن‌ها مسلمانان آن را طی و با شعارهای متعالی توسعه‌اش داده و تشریح کرده بودند. بعضی از این شعارهای اصولی که مقدس و لایتغیر بوده و حتی در مواد متعدد اعلامیه حقوق بشر انعکاس یافته، عبارتند از:

الف) اصل برائت: اصل برائت از اصولی بسیار راقی و عالی نظام حقوقی اسلام است. هر چند مضمون و محتوای این اصل بعد از وقوع انقلابات سیاسی - اجتماعی دو بیست ساله اخیر در انگلستان، آمریکا، فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی در قوانین اساسی ناشی از این انقلابات و همچنین اعلامیه حقوق بشر انعکاس یافته و امروزه تقریباً تمامی قوانین اساسی کشورهای این اصل را به رسمیت شناخته‌اند، لیکن شناخت و احترام و اجرای این اصل به عنوان یکی از محورهای اصلی دادرسی و قضا در اسلام، ۱۴ قرن پیش، آنها در سرزمینی که از حیث درجه مدرنیت مادی قابل مقایسه با تمدنهای باستانی نبود، بی شک از ویژگیهای شگفت‌انگیز تعالیم اسلامی است.

کاربرد اصل مذکور در عصری که حقوق فطری و طبیعی و الهی بشر در دیدگاه سلاطین زورمدار و خودکامه کوچکترین جایگاهی نداشت و برای عزت و کرامت انسانها شأن و مقامی ملحوظ نمی‌گردید، از مزایای اسلام انقلابی است. در سازمانهای اجتماعی و تمدنهای باستانی تقسیم کار و تجزیه جامعه به طبقات و نظام مبتنی بر کاست (Cast) و تمایزات طبقاتی به صورت سنت‌های جا افتاده‌ای درآمد بود و هرگونه عصیان علیه این نظامات، گناهی نابخشودنی شمرده می‌شد و به شدت کیفر می‌دید. لازمه این

سازمان اجتماعی، اولویت و امتیازات بی‌حد و حصر گروهی اندک در مقابل محرومیت همه جانبه اکثریت جامعه از کمترین حقوق انسانی بود. طبیعی است در چنین فضایی، انسانهای محروم و تحت ستم به بهانه‌های گوناگون مورد سؤال و مواخذه و تحت اتهام قرار می‌گرفتند و اکثر قریب به اتفاق مردم به گناه ناکرده، مجازات می‌شدند.

اسلام برای نخستین بار اصل برائت را از طریق قاعده «درأ و قبح عقاب بلابیان» جاری ساخت. به موجب این اصل، انسانها از مصونیت و تأمین اجتماعی کافی برخوردار شدند و برای نخستین بار حقوق افراد جامعه در حصار مستحکم تحت محافظت قرار گرفت و از جانب حکومت و قوای عمومی تضمین شد. دیوار برائت از دیدگاه حقوق اسلامی به حدی رفیع است که رخنه در آن به راحتی ممکن نیست. نه تنها در مدافعات معمولی، بلکه آنجا که عرصه حقوق الهی است، این اصل کاربرد بسیار مؤثر و عملی دارد؛ به حدی که حتی با تحقق شبهه و تردید اجرای احکام الهی، یعنی حدود نیز تعطیل می‌شود (الحدود تدرء بالشبهات). این اصل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صورت اصل سی و هفتم به رسمیت شناخته شده است.

ب) ممنوعیت شکنجه: در حقوق اسلامی و قانون اساسی ایران (اصل ۳۸) هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است؛ حتی اجبار شخص به شهادت و اقرار و سوگند نیز مجاز نیست. اصل ممنوعیت شکنجه دارای ریشه عمیق فقهی است؛ زیرا مطابق موازین حقوق اسلامی تنها اراده و قصد آزاد شخص بالغ و رشید و مختار منشأ اثر حقوقی است و بر شخص مجبور و مکره حتی در مواردی مضطر، آثار حقوقی مترتب نیست؛ بنابر این اعترافات و اقراریری که تحت شکنجه گرفته می‌شود و در واقع تأیید تلقینات اجبار کننده است که بدون قصد انشا از شخص مجبور صادر می‌شود، و به همین علت فاقد شرایط صحت و اصالت است. چنین اقرار و اعترافات در محاکم، فاقد ارزش است و نمی‌تواند علیه اشخاص مورد استناد واقع شود. به علاوه مرتکب این گونه اعمال، به موجب قانون قابل تعقیب می‌باشد.

ج) حقوق متهم: در نظام اسلامی متهمان و محکومان دارای حقوق مشخص می‌باشند که تجاوز از آن به هیچ روی مجاز نیست. اصل ۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد، ممنوع و موجب مجازات است.» اهمیت این اصل در حقوق اسلامی به حدی است که بنا بر نصوص وارده، چنانچه کسی به این حقوق تجاوز کند، مستحق تعزیر و عقوبت خواهد بود.

از دیدگاه اسلام، متهم حق تعیین وکیل دارد و این حق در اصل ۳۵ قانون اساسی تبلور یافته و قانون‌گذار تا آنجا پیش رفته است که اگر متهم نتواند، دولت موظف است برایش وکیل استخدام کند. کفالت امور شخص زندانی و حتی خانواده‌اش به عهده حکومت اسلامی است. در نظام حقوق اسلام، دولت اسلامی متکفل امور کلیه کسانی است که گرفتار عسر و حرج می‌باشند و از تأمین معاش و اداره امور جاری خود عاجزند؛ به همین جهت شخص زندانی از هر حیث در کفالت و تعهد حکومت است و کلیه مایحتاجش در حدود متعارف باید مرتفع گردد و به علاوه

ادامه از صفحه قبل

چون خانواده و عائله محکوم با زندانی شدنش، ممر اعاشه خود را از دست می‌دهند، دولت هزینه و اداره امور آنها را نیز عهده‌دار می‌شود؛ چیزی که حقوق اروپایی قرن‌ها با آن بیگانه بود و در دهه‌های اخیر با نضج و گسترش جنبش‌های حمایت از زندانیان، تدریجاً در نظام قضایی مغرب زمین تکوین یافته است.

(د) اصل مساوات در مقابل قانون: حقوق اسلام به اصل تساوی در مقابل قانون بیشترین اهمیت را قائل است و از این دیدگاه، بین سیاه حبشی و سید قریشی کمترین تفاوت نیست. وجه شاخص و تمایز بین افراد و اولویت آنان نسبت به یکدیگر، تنها تقوا و عمل

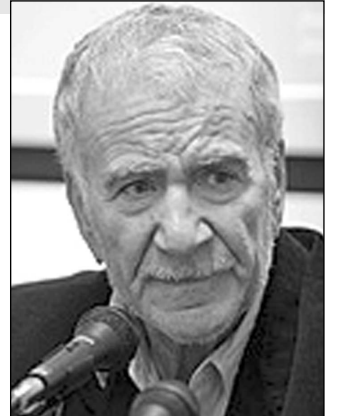
صالح است. سختگیری شرع مقدس در این مورد به حدی است که جزئیات رفتار قضات در خصوص نحوه برخورد با طرفین مرافعه را به دقت روشن کرده است. قاضی در صحبت، نشست، نگرستن و امور دیگری که در جریان دادرسی پیش می‌آید، مکلف است اصل تساوی را رعایت کند و هرگز مجاز نیست یکی از طرفین را بر دیگری بی‌جهت ترجیح دهد. (ه) رعایت نزاکت قضایی: افزون آنکه رعایت ادب و نزاکت در برخورد با متهمان حق مسلم آنان محسوب می‌شود و از اصول قضایی اسلامی به شمار می‌رود. قاضی نمی‌تواند با هیچ متهمی در هر درجه از جرم انتسابی، بی‌ادبانه برخورد کند و قبل از محکوم شدن با او، به تلخ‌گویی پردازد.

(و) اصل منع تجسس (ولاتجسسوا): حریم زندگی شخصی مردم محترم است و جستجو و تحقیق در زندگی آنان امری زشت و ناپسند محسوب است. برای کشف و تعقیب در مورد یک جرم انتسابی به متهم، هیچ‌گاه نمی‌توان بدون دلیل به تفتیش زندگی شخصی او پرداخت و از جزئیات خفی او اطلاع حاصل کرد. با این همه باید تصدیق داشت که میان اسلام نظری و عمل جوامع اسلامی تفاوت شگرف وجود دارد. شریعت سهله و سمحه نبوی مبتنی بر وحی و سنت محمدی (ص) با آنچه در اسلام خلافتی عرضه شده، گاه آن چنان متفاوت است که گر تو بیبینی، شناسایی اش باز! برای نمونه، هیچ کس تردید ندارد که شرع اسلامی در مورد گناهان

مرتبط با مسائل عفتی و ناموسی، نظر بر اختفا و پرده‌پوشی داشته است و حتی مرتکبانی که به خیال تخفیف عذاب الهی، مبادرت به اقرار می‌کردند، مورد ملامت و سرزنش قرار می‌گرفتند و بر عدم اعتراف و به جای آن، رو به سوی توبه و استغفار نهادن توصیه می‌شدند. حال آنکه در تاریخ اسلامی مکرر دیده‌ایم که صاحبان قدرت و شیخ الاسلام‌های محلی گاه برای تثبیت موقعیت خود به عنوان متولی شریعت، به تجسس در زندگی خصوصی مردم پرداخته‌اند و با طرق شرم‌آوری که قطعاً فاقد وجهت شرعی است، به اثبات اتهامات ناموسی پرداخته و از این رهگذر خود را مجری حدود الهی معرفی نموده‌اند.

گزارشی از نقد و بررسی کتاب "فلسفه و ساحت سخن"

دینانی: دستور زبان عربی توسط اندیشمندان ایرانی تدوین شده است



غلامحسین ابراهیمی دینانی با اشاره به علاقه وافر ایرانیان به فراگیری قرآن گفت: بیش از ۹۵ درصد قواعد دستوری زبان عربی توسط اندیشمندان ایرانی همچون سیبویه نگاشته شده است.

به گزارش فارس، نشست هفتگی شهر کتاب که به نقد و بررسی آخرین کتاب غلامحسین ابراهیمی دینانی با عنوان "فلسفه و ساحت سخن" اختصاص داشت، با حضور مؤلف کتاب برگزار شد.

ابراهیمی دینانی در ابتدای سخنان خود ارتباط فلسفه و سخن را مرتبط با فلسفه سخن و سخن فلسفه دانست و اظهار کرد: هر انسانی می‌تواند سخنگو

و سخنور باشد اما هر سخنوری نمی‌تواند فیلسوف باشد.

وی با بیان اینکه هر نحله فلسفی تعریف خاصی از فلسفه ارائه کرده است در تعریف عمومی و کلی فلسفه گفت: فلسفه "فکر" است و اگر فکر را بشناسیم می‌توانیم بگویم فکر، فلسفه است.

عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، میان معنای نحوی و باطنی فکر تفاوت قائل شد و گفت: فکر در معنای نحوی اسم است اما در واقع فعل است و مراد از فکر، فعل فکر است. بنابراین فلسفه، فکر کردن است.

وی در خصوص اهمیت فکر کردن گفت: اگر کسی نداند که دارای قوه تفکر است و نداند که به چه چیزی فکر می‌کند، بنابراین علمی به معلوم ندارد و قطعاً فلسفه‌ای هم نخواهد داشت. به عبارت دیگر، فکر در بنیادی‌ترین مسائل هستی، فلسفه است و چنین شخصی فیلسوف است، حتی اگر اصطلاحات خاص فلسفی را نداند.

دینانی داشتن دغدغه فکری را لازمه فلسفیدن دانست و گفت: ممکن است یک روستایی ساده که دغدغه

فکری دارد، فلسفه را از یک دانش آموخته فلسفه بهتر درک کند.

این استاد دانشگاه با اشاره به عوالم "عین"، "ذهن"، "کلام" و "کتاب" یادآور شد: اگر ذهنی همراه و موازی با عالم عینیت باشد آن ذهن به خطا نمی‌رود. سوفسطائیان برای عالم "عین" ارزشی قائل نبودند در صورتی که "ذهن" زمانی با خارج تطبیق می‌کند که با "عین" همراه شود چرا که انسان لحظه‌ای نمی‌تواند از ذهن خود خارج شود همانطور که انسان نمی‌تواند از روی سایه خود پرش کند.

نویسنده کتاب "فلسفه و ساحت سخن" فکر را فکر کردن و اندیشه را اندیشیدن دانست و گفت: تفاوت انسان با کامپیوتر در اندیشیدن خلاصه می‌شود چرا که کامپیوتر نمی‌تواند اندیشه‌ها را بیندیشد در واقع فلسفه به معنای اندیشیدن اندیشه‌ها است و این مهم در "سخن" اتفاق می‌افتد چرا که ذهن و زبان دو چهره مختلف از یک واقعیت هستند. آقای دینانی با اشاره به تأثیر متقابل دین و تفکر گفت: دین تأثیر مستقیم و سودمندی برای متکلمان دارد و همچنین فکر نیز در سودبخشی به دین مؤثر است. عضو هیأت علمی مؤسسه

پژوهشی حکمت و فلسفه ایران با اشاره به دلالت کتابت بر کلام گفت: هنگامی که کتابی نگاشته می‌شود بیانگر مراد متکلم است البته علم هرمنوتیک امروزی به مرگ مؤلف حکم می‌دهد و برای متکلم و مراد وی ارزشی قائل نمی‌شود و فقط بر واژه‌ها تکیه می‌زند. این استاد دانشگاه با اشاره به دلالت فکری و ذاتی "ذهن" بر "عین" اظهار کرد: ذهن و عین میان تمامی انسان‌ها قابل درک است اما کتابت و کلام قراردادی هستند. و از طریق تمامی انسان‌ها فهمیده نمی‌شوند. وی با بیان اینکه اگر ذهن نبود این عالم نیز نبود، گفت: در انتهای کتاب خود در اظهارنظری جسورانه نوشته‌ام که اگر ذهن نبود یا عالم نبود و یا دچار آشفتگی و آشوب بود. آن نوعی از آشفتگی که به هیچ‌عنوان قابل تصور نیست. افلاطون قائل به آشوب بود و به همین دلیل خدا را "صانع" می‌دانست و در تعریف او، صانع با "خالق" و "باری" متفاوت است.

عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران با اشاره به سخن "ویتگنشتاین" که مرز عالم اشخاص را مرز ذهن آنها می‌داند گفت:

ویتگنشتاین سخن درستی را مطرح کرده است و بیان می‌کند هرچه ذهن کسی بزرگتر و فراختر باشد عالم مورد تصور او نیز بزرگتر و عظیم‌تر خواهد بود.

نگارنده کتاب "فلسفه و ساحت سخن" با اشاره به فصلی از کتاب خود که ۱۲۱ مورد اختلاف میان مکاتب بصره و کوفه در قواعد نحوی را برمی‌شمارد و گفت: بصره‌ای‌ها در دستور زبان، عقلانی مسلک بودند اما کوفی‌ها بیشتر بر نحوه استعمال تکیه داشتند و نقلی مسلک بودند. شاید فیلسوفان و متکلمان امروزی را بتوان به بصری‌ها نزدیک‌تر دانست. دینانی در پایان سخنان خود با تأکید بر وطن‌دوستی خویش گفت: بنده ناسیونالیست نیستم، اما ایران را دوست دارم و به جرأت می‌توانم بگویم به دلیل علاقه وافر ایرانیان به فراگیری قرآن کریم بیش از ۹۵ درصد دستور زبان عربی توسط اندیشمندان ایرانی از جمله سیبویه نگاشته شده است به همین دلیل نیز یک نویسنده مصری کتابی نوشته است که برحسب صرف و نحو و قواعد آن تأکید می‌کند تا جهان عرب از زیر دین امثال سیبویه خارج شود.

نجفقلی حبیبی:

۴۰ درصد از آثار ابن سینا تصحیح نشده‌اند

متوسط ابن سینا هستند که پیش از این نیز منتشر شده‌اند. بخش سوم این مجموعه نیز به آثار مهم ابن سینا نظیر شفا اختصاص دارد.

حبیبی که در اسفند و فروردین سال ۱۳۸۸ به منظور شناسایی نسخ موجود از آثار ابن سینا در کتابخانه‌های ترکیه به این کشور سفر کرده بود، گفت: نسخ خطی مربوط به آثار ابن سینا در بسیاری از کشورها پراکنده‌اند. از مراکز عمده‌ای که این آثار در آن‌ها وجود دارد یکی ترکیه است و دیگری کشورهایی مانند مصر و عراق. البته در ایران هم آثار بسیار خوبی وجود دارند و به لحاظ کمیت، بعد از ترکیه ایران دارنده بیشترین آثار از ابن سینا است.

وی درباره تجربه سفر اخیرش به ترکیه گفت: یکی از نکات جالب این بود که به رغم آنکه تعداد آدم‌هایی که با نسخ خطی کار می‌کنند، اندک است - تا آنجا که من دیدم حدود ۱۰ نفر ثابت - کتابخانه بدون تعطیلی حتی در روزهای تعطیل نیز باز بود و به کار خود ادامه می‌داد. من در این سفر موفق شدم تعدادی از نسخه‌های خطی را شناسایی کنم و به ایران بیاورم، مثل نسخه‌های خطی کارهای ابن سینا و برخی فیلسوفان دیگر مانند سهروردی و

نجفقلی حبیبی با اشاره به طرح احیای آثار ابن سینا گفت که بیش از چهار سال است که نسخ خطی آثار ابن اندیشمند در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در حال گردآوری است و قرار است در نهایت تمامی آثار ابن سینا منتشر شوند. به گزارش روابط عمومی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، دکتر نجفقلی حبیبی در گفتگویی کوتاه به طرح احیای آثار ابن سینا اشاره کرد و گفت: این طرح، یکی از طرح‌های مهم مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران به شمار می‌رود که با رویکردی انتقادی و علمی در حال انجام است.

وی افزود: متأسفانه هنوز ۳۵ تا ۴۰ درصد از آثار ابن سینا به صورت نسخه خطی باقی مانده‌اند و تاکنون تصحیح و منتشر نشده‌اند. در جهت اجرای این طرح، بیش از چهار سال به گردآوری نسخ خطی آثار ابن اندیشمند گذشته است و قرار است تمامی آثار ابن سینا در سه بخش منتشر شوند. بخش نخست به آثاری اختصاص دارند که تاکنون منتشر نشده‌اند و تعدادی از آنها آماده انتشارند و مراحل چاپ‌رامی‌گذرانند. بخش دوم، کتاب‌های

شهروری و ابن سهلان ساوی و خونچی.

حبیبی با بیان اینکه مسئولان کتابخانه از تمامی نسخ با کیفیت بسیار عالی عکس برداری کرده‌اند و در ازای پول آن‌ها را در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند، سخنانش را پی گرفت: من حدود ۸۰۰۰ ورق سند را که خود حدوداً ۴۰ تا ۵۰ نسخه می‌شود تهیه کردم. نسخه‌های خوبی از شفا در میان شان هست، همین‌طور نسخه‌ای از اشارات و چند نسخه از مبدا و معاد. در واقع از کتاب‌های مهم ابن سینا هر کدام چند نسخه و تعدادی هم از رسالات کوچک او تهیه کردم.

استاد بازنشسته دانشکده الهیات دانشگاه تهران به دو نسخه با ارزش از شفا اشاره کرد که فقط در کتابخانه سلیمانیه وجود دارند و افزود: این دو نسخه هم در قدمت و هم در زیبایی و هم در صحافی بی‌نظیرند. البته درباره تاریخ یکی از آن‌ها شک داریم. در حاشیه کتاب جمله‌ای وجود دارد به این معنی که این کتاب نزد مؤلف قرائت و مقابله شده است. امضای ابن سینا هم در پای کتاب موجود است و تاریخ ۳ رجب ۴۲۲ را دارد. این تاریخ شش سال قبل از مرگ ابن سینا است و در

صورت صحت، اعتبار کتاب را خیلی بالا می‌برد. وی همچنین از نسخه‌ای از نجات، دست‌نویس شرح فصوص ابن عربی به خط عبدالرزاق کاشانی و شرح حکمه‌الاشراق قطب‌الدین شیرازی یاد کرد و گفت: کار من هنوز تمام نشده است. دولت ترکیه کار خوبی انجام داده و تمامی نسخه‌های خطی موجود در ترکیه را اسکن، عکس برداری و به شکل دیجیتال ذخیره کرده است که در همان کتابخانه سلیمانیه در دسترس است. اما در همین حال این آرشیو کامل نیست و تمامی نسخ خطی کتابخانه‌های دیگر در آن موجود نیست.

این پژوهشگر و مصحح نسخ خطی گلایه‌ای را نیز مطرح کرد: ما در مؤسسه پژوهشی از بهمن‌ماه تعدادی نسخه از کتابخانه ملی خواسته‌ایم و آنها هنوز نتوانسته‌اند به ما تحویل دهند. من در مدت پنج روز دو برابر آن تعداد نسخه را از ترکیه به دست آورده‌ام. به هر حال کارمندان بخش نسخ کتابخانه ملی زحمت می‌کشند و از آنان گلایه‌ای نیست، اما به هر حال گویا زیرساخت‌های لازم مانند شبکه و غیره کتابخانه ملی مشکل دارد و از این بابت جای گلایه هست.

حوزه علمیة نجف و صاحب الجواهر



علی جوهری زاده

نجف که در متون تاریخی با نام حیره همراه بوده است، در چند کیلومتری رودخانه فرات و نخلستانها و بوستانهای آن واقع است و طرف دیگر آن تا صحرا و شنزارهای نجد و حجاز ادامه دارد. حیره (نجف) پیش از اسلام یکی از پایگاههای مسیحیان بود و آثار و بناهای متعدد به جای مانده، آن واقعیت را نشان می دهد. نجف در سالهای بین دوازدهم تا هفدهم ه.ق به دست مسلمانان فتح شد و یکی از مراکز مهم آنها گردید.

با احداث کوفه در امتداد رودخانه فرات، شهر نجف که منطقه ای خشک و بی آب و علف بود، به تدریج رو به ویرانی گذاشت. کوفه و در مجاورت آن نجف در زمان خلافت حضرت علی (ع) و با توجه به اینکه بخش مهمی از زندگی ایشان در آن منطقه گذشت، اهمیت شایانی پیدا کرد. امام علی (ع) در سال چهارم ق در کوفه به شهادت رسید و بنا بر وصیت، مخفیانه در نجف به خاک سپرده شد تا خوارج و عمال معاویه امکان دسترسی و جسارت به مقبره آن امام همام را نداشته باشند. فرزندان و یاران آن حضرت هم مخفیانه به زیارت مشرف می شدند. این وضع تا زمان امام صادق (ع) ادامه داشت. و از زمان خلافت هارون الرشید آرامگاه امام (ع) گاهی آباد و گاهی تخریب می شد و این حوادث تا سیصد سال بعد ادامه داشت تا آنکه در زمان عضدالدوله آل بویه یکم پیش از آن، گنبد و بارگاهی ساخته شد.

به طور کلی نجف در قرن سوم و چهارم ق شهر آبادی نبود. در سال ۴۴۸ ق شیخ طوسی (ره) از بغداد به نجف مهاجرت کرد و این سرآغاز بزرگی برای آبادی نجف و تحول علمی و احداث حوزه علمیة نجف شد. این حوزه در مجاورت مرقد مطهر به کانونی تبدیل گردید تا شیفتگان اهل بیت را از کشورهای مختلف به خود جلب کند و فرهنگها و تمدنهای گوناگونی را در کنار هم قرار دهد. علمای بزرگ و استادان سترگ و ادبا و شعرا و نویسندگان و مورخان اسلامی نامداری را تقدیم مکتب نمایند و بدین ترتیب نجف اشرف با حرم مطهر و حوزه خود، قداست و استحکامی یافت تا آنجا که تعرض بعضی از حکام مشعشی در اواخر قرن نهم ق و یاحکام عثمانی در دوره فروپاشی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی و یورش وهابیان در سال ۱۲۲۱ ق نتوانست به فرهنگ غنی و پربار نجف خدشه ای وارد کند و حوزه همچنان به تقدیم علمای بزرگ و پرآوازه و گسترش دهنده فقه شیعه ادامه داد. یکی از بزرگان این علما و به دلایلی از بارزترین آنها شیخ محمدحسن صاحب الجواهر (ره) بود.

اجداد صاحب الجواهر که همگی از علمای فاضل و نامدار بودند و تبارشان به امیرمومنان علیه السلام می رسید، حدود ۱۵۰ سال و به روایتی بیشتر قبل از تولد او (که در سال ۱۲۰۰ ق بود)، به نجف مهاجرت کردند و هر کدام به نوعی برای رونق و گسترش حوزه تلاش نمودند. شیخ محمدباقر نجفی فرزندش محمدحسن را از همان ابتدا به بهترین شکل ممکن پرورش داد و خیلی زود او را به مدرسه فرستاد. محمدحسن با استعدادشگرف و هوش

سرشار مقدمات را به پایان رسانید و در نوجوانی توانست به درس خارج راه یابد و برای نیل به مقام اجتهاد از محضر علمای نامدار و پرآوازه حوزه و آیات عظام شیخ جعفر کاشف الغطا، سید بحر العلوم، سیدجواد عاملی و شیخ موسی کاشف الغطا بهره فراوان گیرد.

وی در بیست و پنج سالگی به نوشتن کتاب جواهرالکلام همت گماشت و پس از سی سال تلاش بی وقفه و مطالعه و تحقیق و مراجعه به آثار معتبر اسلامی و دقت و موشکافی، توانست کتابی تقدیم کند که در نوع خود بی نظیر بود. او در اواخر دهه پنجم عمر شریفش بخش های مهمی از کتاب جواهرالکلام را تکمیل کرد و چون ماهیت و صحت و دقت و عمق مطالب کتاب بر علمای طراز اول و مراجع مسلم گردید، به صاحب الجواهر ملقب شد و از آن زمان به بعد فقط با همین نام نامیده شد.

جواهرالکلام فعلی که در ۴۳ مجلد تنظیم شده، به اعتقاد علما و فقهای بزرگ یک دایره المعارف فقه اسلامی است. در مورد نوشتن جواهرالکلام صاحب الجواهر (ره) می فرمود: "چون به عذارات می رفتم (منطقه ای نزدیک حله و محل سکونت خاندان مادرش)، اهل آنجا از من مسئله می پرسیدند و کتابی که جامع باشد، در اختیار نداشتم و از طرفی تهیدست بودم، پس بر آن شدم تا کتابی بنویسم که در وقت حاجت بدان مراجعه کنم و منظورم رساله عملیه نبود... او مقداری از کتاب را بر سرچنازه فرزندش نوشت تا تألیف کتاب به تأخیر نیفتد. جواهرالکلام کتاب مشروح و استدلالی در فقه شیعه در قرن سیزدهم ق به زبان عربی نوشته شده است. این کتاب شرح مبسوط کتاب شرائع الاسلام علامه حلی (متوفای ۷۶۶ق) است. جواهر الکلام از نظر گسترش و جامعیت نظریات و آرای دانشمندان و فقهای شیعه، از تمام کتب قبل برتر است. صاحب الجواهر در زمان خویش مرجعیت عامه داشت و کتابش به علت شهرت و مقبولیت، نام مولف و خاندانش را در ذیل خود قرار داد.

شرح و چاپ

شرح و حواشی متعددی بر جواهرالکلام یا بخش هایی از آن تألیف شده که شرح آنها در کتاب آلبدر الزاهر فی تراجم اعلام کتاب الجواهر اثر ناصر کرمی (قم، ۱۴۲۴ق) آمده است. اولین چاپ کتاب جواهرالکلام در زمان حیات مؤلف در سال ۱۲۶۲ق در شش مجلد رحلی صورت گرفت که تا سال ۱۳۱۶ه.ق ۲۴ بار چاپ شد. چاپ های جدید آن در فاصله سال های ۱۳۷۷ تا ۱۳۹۸ه.ق در ۴۳ مجلد در نجف، تهران و بیروت بود. چاپ اخیر این کتاب با تحقیقی کامل و استوار در موسسه نشر اسلامی قم در حال انجام است که تاکنون ۱۶ جلدش منتشر شده است. درباره اهمیت کتاب جواهر الکلام و سیره و سلوک صاحب الجواهر به چند مورد از بسیار موارد گفتار بزرگان اشاره می کنیم:

شیخ مرتضی انصاری (ره): برای مجتهدی که بخواهد احکام الهی را استنباط کند، کافی است که کتاب های جواهر و رسائل الشیعه را در اختیار داشته باشد و کمتر اتفاق می افتد که به کتاب های پیشینیان نیاز پیدا کند.

شیخ آقابزرگ تهرانی (ره): صاحب الجواهر کتابی از خود به یادگار گذاشت مشتمل بر گوهرهایی که حتی یکی از آنها در گنجینه شاهان یافت نمی شود.

امام خمینی (ره) در جمع فقها و حقوقدانان شورای نگهبان: در مورد وضع درس (روحانیت) پرسیدم، گفتند خوب است. البته خوب داریم تا

خوب. یک موقعی خوب است که صاحب الجواهر و شیخ مرتضی تربیت می شود و یک موقعی خوب است که ماها به وجود می آیم! بین این دو خیلی فاصله است.

استاد شهید مطهری (ره): جواهرالکلام شرح شرائع محقق است و می توان آن را دایره المعارف فقه شیعه خواند. اکنون هیچ فقیهی خود را از جواهر بی نیاز نمی داند. کتاب جواهر عظیم ترین کتاب فقهی مسلمین است و با توجه به اینکه هر سطر این کتاب مطلب علمی است و مطالعه یک صفحه آن وقت ودقت زیاد می خواهد، می توان حدس زد که تألیف این کتاب بیست هزار صفحه ای بقدرد وقت برده است. سی سال تمام یکسره کار کرد تا چنین اثر عظیمی به وجود آورد. این کتاب مظهر نبوغ و همت و استقامت و عشق و ایمان یک انسان به کار خویش است.

و در جای دیگر می فرماید: زبان از گفتن و بنان از نوشتن بزرگی و قدر و منزلت کتاب بازمی ماند. کتابی که نظیر آن در شیرینی تعبیر، حسن بیان، زیبایی کلام، قدرت استدلال، دقت نظر، نقل گفتار فقهاء و استنباط حلال و حرام بوده باشد، تاکنون نوشته نشده است. فقها تا در مطالب مورد نظرشان بدین کتاب نظر نینکنند، استدلالشان سست و استنباطشان بی پایه خواهد بود. هیچ فقیهی از این کتاب بی نیاز نبوده است. مؤلف با زبردستی و چیرگی تمام و با احاطه تام، با استفاده از ادله اربعه، کتاب، سنت، اجماع و عقل به تحریر مطلب پرداخته و به شایستگی از عهده آن برآمده است.

نمونه این سخنان بدیع از علما و بزرگان دین درباره صاحب الجواهر بسیار گفته شده است. صاحب الجواهر علاوه بر جواهر الکلام، کتابها و رساله هایی نیز درباره احکام، ارث، خمس، زکات، حج و... نوشته است. در عصر او حوزه علمیة نجف، مقام و منزلت والای خود را تعالی بخشید، علمای بسیاری که از محضر صاحب الجواهر کسب فیض کردند، به مقام های شاخص علمی و فقهی و مرجعیت رسیدند.

صاحب اعیان الشیعه گوید: او (صاحب الجواهر) فقیه پرآوازه، عالم بزرگ شیعه، مربی دانشمندان و سرور فقیهان بود. دانش پژوهان از هرسو به او رو می آوردند و فقها بی شماری دست پروردگان او بودند و می شود گفت پیشوایان مجتهدی که در مجلس درسش حاضر می شدند، بالغ بر شصت نفر بودند. مدرسه اش بزرگترین مدرسه ها بود و اشخاص فاضل از هر جا آمده، در آنجا جمع شده بودند. شخصیت های عظیم علمی و دینی که در مجلس درس او حاضر می شدند و از محضر پرفیض او بهره می جستند، به حدی زیاد بود که به قول علامه آقابزرگ تهرانی شمارش همه آنان کار مشکلی است. به طور فشرده به چندتن از بزرگوارانی که در کتاب فقیه جاودانه مفصلاً یاد شده اند، اشاره می کنیم.

آیت الله سیدحسین کوه کمری

مجتهدی مشهور بود و حوزه درس معتبری داشت. در سال ۱۲۸۱ق بعد از ارتحال شیخ انصاری رحمت الله علیه و همزمان با میرزای شیرازی (ره) به مرجعیت رسید.

آیت الله حاج شیخ جعفر شوشتری

شیخ جعفر شوشتری متجاوز از سی سال خدمت کرد و با دم مسیحایی اش جان تازه ای در کالبدی روح انسان ها دمید و دلها را با یاد و نام خدای بی همتا آشنا ساخت. سخن او چنان در اعماق دلها نفوذ می کرد که اهل دل هرگز آن را فراموش نمی کنند.

ملاعلی کنی

وی برای کسب دانش به نجف اشرف رفت و در عین فقر و تنگدستی، با جدیت تمام به تحصیل

ادامه داد و مقام علمی اش به جایی رسید که استاد بزرگوارش - صاحب الجواهر - در مجلس درس به اجتهادش گواهی داد. حاج ملاعلی که عالمی معروف، مورد اعتماد، عادل و عابد و زاهد بود، از نجف به تهران بازگشت و مرجع تقلید مردم تهران و برخی از شهرهای ایران شد.

شیخ محمد ابروانی

برای تحصیل علم به کربلا و سپس به نجف رفت و به درجه اجتهاد رسید و به فاضل ابروانی شهرت یافت. او بعد از وفات شیخ مرتضی انصاری و سیدحسین کوه کمری، ریاست حوزه علمیة نجف و کرسی تدریس آن را احراز کرد و مرجع تقلید گردید.

رونق حوزه علمیة نجف

صاحب الجواهر با نوشتن جواهرالکلام و سایر کتابها، عشق و ایمان و اخلاص خود را ثابت کرد. حوزه علمیة نجف در زمان او رونق و درخشش پرفروغی داشت؛ اما خطرها و دشواریها از جانب دشمنان به ظاهر مسلمان نیز بود. تهاجم اندیشه های وهابی و نفوذ در مناطق دور و نزدیک، نگرانی های جدی به وجود آورد و تدابیر ویژه ای را برای مقابله می طلبید. صاحب الجواهر آن تدابیر را در نشر فرهنگ و اندیشه های اسلام راستین می دید و در این راه لحظه ای از تلاش باز نماند. او قامت بالا بلند تشیع را به بهترین شکل به نمایش گذاشت و اسلام را به بهترین شکل تعریف و معرفی کرد؛ چنان که در وصیتش به شیخ انصاری (ره) فرمود: "در مسائل فقهی احتیاط خود را کمتر کن که اسلام شریعتی است که احکام آن بر سهولت و سادگی تهیه شده."

وی هرگز راضی نبود که اسلام مترادف با فقر و بیچارگی باشد، لباس های فاخر می پوشید و در روزهای چهارشنبه که معمولاً برای نماز و نیایش به مسجد سهله می رفت، با موکبی از علما و مومنان که نمایانگر هیبت اسلامی و معنویت روحانی بود، همراه می شد و این رفتار، با قناعت نامتناهی و زهد و تقوی او هیچ گونه تعارض نداشت. از خدمت به مردم غافل نبود و در شرایطی که مردم نجف با مشکل بی آبی م-واج-ه شدند، به احداث کانال یا نهی از فرات به نجف مبادرت ورزید که به گری شیخ یا نهرالشیخ معروف شد. ترمیم مسجد کوفه و بنای آرامگاه مسلم بن عقیل و هانی بن عروه از دیگر کارهای اوست. دوره زعامت صاحب الجواهر از ۱۲۶۲ق تا پایان عمر شریفش بود.

انتقال زعامت

اداره حوزه علمیة در سال ۱۲۶۲ق به صاحب الجواهر رسید. وی در روزهای آخر عمرش به تشکیل مجلسی امر نمود و سفارش کرد که فقهای مشهور نجف در آن حاضر شوند. چون جلسه فراهم آمد، صاحب الجواهر شیخ انصاری را در آن مجلس نیافت. فرمود تا شیخ را در مجلس حاضر کنند. شیخ را در حرم امیر مومنین (ع) یافتند، در حالی که برای سلامت صاحب الجواهر دعا می کرد. او را به آن مجلس آوردند. صاحب جواهر شیخ را نزد خود طلبید و دست او را روی قلب خود نهاد و گفت: اکنون بر من گوارا شد. سپس روی به فقهای حاضر در مجلس کرد و گفت: "مرجع علمی و رئیس حوزه پس از من ایشان هستند. آنگاه شیخ را مخاطب قرار داد و گفت: ای شیخ، در مسائل فقهی احتیاط های خود را کمتر کن که اسلام شریعتی است که احکام آن بر سهولت و سادگی تهیه شده است و در همان روز یعنی اول شعبان ۱۲۶۶ق به لقای حق شتافت. این روایت با همین مفهوم و با جزئی اختلاف، در نوشته ها و گفته های دیگر آمده است. روانش شاد و روح پرفروش قرین رحمت باد!

در نوشته های دیگر می خوانیم که در آن مجلس حداقل دو نفر از فرزندان صاحب الجواهر که می توانستند متصدی مقام زعامت باشند، حاضر

نهضت‌های آزادیخواهانه مردم و درجنگ با انگلیسی‌ها که پس از جنگ جهانی اول به عراق حمله کردند، مشارکت فعال داشتند.

تذکر این نکته لازم است که در فاصله بین هفتادوپنج تا نود سال پیش، برخی از روحانیون بزرگوار خاندان صاحب‌الجواهر به دلایلی به ایران مهاجرت کردند و عده کمی از آنها درایران ماندگار شدند. مرحوم پدرم، روحانی بزرگوار شیخ‌هادی از کسانی بود که در ایران ماند و فقط به مناسبت‌هایی که مهمترین آنها دیدار با خانواده‌اش بود، به نجف یا بغداد مسافرت می‌کرد. از شخصیت‌های غیرروحانی ولی مهم خاندان جواهری، مرحوم محمد مهدی جواهری - شاعر بزرگ و انقلابی عراق و جهان عرب است که جداگانه مطالبی را به او اختصاص داده‌ام.

۱. نقل از کتاب تندیس زهد

گردید، دستگیر شد و به شهادت رسید و عده‌ای از جوان‌های تحصیل کرده و مخالف بعثی‌ها زندانی و یا شهید شدند و تعدادی از روحانیون بزرگوار خاندان صاحب‌الجواهر با خانواده‌های محترمشان و بدون هیچ امکانات از عراق اخراج گردیدند.

صاحب‌الجواهر هشت پسر و چند دختر داشت. پسرانش از علما و ادبا و صاحب‌مدرسه و اهل درس و تدریس در زمان خود بودند و تألیفات ارزشمندی در زمینه‌های مختلف از خود به‌یادگار گذاشتند.

شیخ حسن - کوچکترین فرزند صاحب‌الجواهر - در سال ۱۳۴۵ق حدود ۸۳سال پیش درگذشت. حاشیه بر رسائل شیخ انصاری از او به یادگار ماند. از نوادگان صاحب‌الجواهر، علمای صاحب‌نامی در عراق پا به عرصه وجود گذاشتند. در

صاحب‌الجواهر با علویه مکرمه‌ای از سادات آل حجاب (یا آل صعبر به‌نوشته دکتر حسن علی محفوظ) ساکن عذارات حله از دواج کرد و صاحب‌فرزندی شد که نامش را محمدحسن گذاشت.

اختلاف دو روایت در این است که شیخ عبدالرحیم الشریف از اصفهان به نجف مهاجرت کرد یا از عراق و یا لبنان؟ موضوع مهاجرت و جابه‌جایی که در آن روزها یک امر عادی بود. چند صد سال بعد یعنی پس از فروپاشی حکومت عثمانی و استقلال عراق، برای جواهری‌ها به تدریج به مشکل تبدیل شد و در زمان بعثی‌ها به اوج خود رسید که موضوع بحث این نوشته نیست و فقط یادآور می‌شوم که در ابتدای انقلاب اسلامی آیت‌الله شیخ محمدتقی جواهری (عموزاده نویسنده) که عالمی مجاهد و مبارز بود و در جوانی به درجه اجتهاد نائل

بودند؛ ولی او با توجه عمیقی که به مصالح امت داشت، شایستگی را بر وایستگی مقدم دانست و با انتخاب شیخ انصاری، صاحب‌الجواهر کار بزرگ دیگری بر کارهای قبلی خود افزود.

صاحب‌الجواهر؛ اجداد و فرزندان

درباره اجداد صاحب‌الجواهر دو روایت معتبر مکتوب و منقول وجود دارد. در هر دو روایت گفته شده که تبار صاحب‌الجواهر به حضرت علی(ع) می‌رسد. همچنین اتفاق نظر هست که جد سوم ایشان معروف به شیخ عبدالرحیم الشریف الکبیر به نجف مهاجرت کرد و دو فرزند بزرگوارش به نام‌های شیخ محمد کبیر و شیخ محمد صغیر از علمای بزرگ نجف بودند و تألیفاتی در فقه دارند. شیخ عبدالرحیم فرزند شیخ محمد صغیر با دختر عموی خود ازدواج کرد و نتیجه این ازدواج شیخ محمدباقر نجفی بود. شیخ محمدباقر نجفی پدر

آیت‌الله هادوی: مروجان خرافات بدنبال منافع مادی هستند

ساختارها تفکر انتظار نیز توسعه می‌یابد. دکتر مهدی هادوی تهرانی همچنین در رابطه با میزان موفقیت‌های ما در رابطه با توسعه فرهنگ انتظار گفت: امام (ره) خورشیدی بود که در ظلمتی طلوع و افق‌های اندیشه اسلامی را روشن کرده و در پرتو آن جمع‌زیدی را هدایت کرد و جریان هدایت آن همچنان در جهان وجود دارد. معنای انتظار و تفکری که امام مطرح کرد این نیست که بدون درایت، خردمندی و استناد به دانش کاری انجام دهیم. امام همیشه به استناد عقل، خرد و درایت عمل می‌کرد، چرا که این امر سنت انبیا و ائمه بوده است. وی گفت: اگر می‌خواهیم فرهنگ انتظار را توسعه دهیم باید حقایق دین را بشناسیم و این حقایق را به شیوه‌ای خردمندانه عرصه کنیم. اگر این تفکرات طوری مطرح شوند که خرافه، اوهام و اباطیل در آن راه یابد فرهنگ انتظار توسعه نمی‌یابد. اگر این تفکرات طوری مطرح شود که چهره غیر معقول از امام زمان، زمان ظهور آن حضرت یا انقلاب اسلامی در ذهنیت‌ها ایجاد شود ضد توسعه فرهنگ انتظار خواهد بود.

آیت‌الله هادوی تهرانی اظهار داشت: دوران حکومت حضرت مهدی دوران ایده آل، آرامش، عدل و رفاه انسانها است. این تصورات باید با توجه به اطلاعات دقیق توضیح داده شود تا خرافات و اوهام از آن دور بماند. اگر در زمان امام زمان طبق برخی روایات جنگ‌ها و درگیری‌هایی است، این درگیری‌هایی است که ظالمان تحمیل می‌کنند و آرمان حکومت امام زمان نیست.

فکری و فرهنگی مناسب و سخت‌افزار مناسب نیاز دارد. آیت‌الله هادوی تهرانی گفت: انتظار به معنای آمادگی شخصی، اجتماعی، سخت‌افزاری و ساختار اجتماعی است. به تعبیر برخی بزرگان انقلاب اسلامی صبحی است که قبل صبح صادق طلوع کرده است. این انقلاب در صورت داشتن صلاحیتها، حفظ و شناخت ارزشهای انقلاب اسلامی و شخصیت‌های آن، حفاظت از این میراث گرانبدر می‌تواند به ظهور حضرت مهدی متصل شود. اگر از مسیر منحرف شویم، جریانهای انحرافی در لایه‌های نظام رسوخ کند، افراد فاسد به اسم مصلح به میدان آیند و اگر منافقین قدرت را به دست بگیرند نمی‌توان چنین امیدی داشت.

وی با بیان این مطلب که توسعه فرهنگ انتظار با فراهم کردن شرایط تشکیل و تحقق حکومت جهانی حضرت مهدی در خود جامعه ما است یادآور شد که این امر در برگیرنده چند مقدمه است که یکی از آنها توسعه دانش است. هادوی تهرانی افزود: فهم درست از دین از دیگر مقدمات این بحث است. در حقیقت اصلاح تفکر دینی و استفاده از اندیشمندانی است که به حقیقت اسلام را بشناسند نیز از مقدمات توسعه تفکر انتظار است. توسعه انتظار مستلزم توسعه عمل و باور دینی در جامعه است، در غیر این صورت ما در توسعه فرهنگ انتظار با مشکل مواجه هستیم. اگر انسانهای عالم و عامل به ارزشهای دینی و معتقد به آنچه که در دین آمده حضور داشته باشند به طور قطع زمینه ساختارهای اجتماعی فراهم شده و با اصلاح این

گفت: نتیجه این امر نوعی سکون و رخوت در جامعه و همان مفهومی است که قبل از انقلاب توسط جریانهای طرفدار مهدویت مطرح می‌شد. در شرایط کنونی این جریانها در حال احیاء شدن هستند و برخی در این توهومات حتی پا را فراتر گذاشته و این بحث را مطرح می‌کنند که برای زمینه‌سازی ظهور قائم آل محمد باید زمین پر از فساد باشد.

وی همچنین اضافه کرد: این افکار، اوهام و خیالات باطلی است که توسط برخی افراد جاهل به حقایق اسلامی و عده‌ای ترویج شده که منافع خود را در توسعه این افکار می‌دیدند که در نتیجه آن می‌توانستند گروه‌ها و گروهک‌هایی را تشکیل داده و به منافع مادی خود دست یابند.

دکتر هادوی تهرانی تصریح کرد: در مقابل این جریان تفکری قرار می‌گیرد که علمای بزرگ اسلام، اندیشمندان اسلامی و امام (ره) مطرح می‌کنند و آن انتظار به معنای آماده کردن زمینه برای ظهور امام زمان است. اگر ما منتظر واقعی هستیم به اینکه زمینه این ظهور برخلاف تصور گروهی که از آنها یاد شد توسعه ظلم نیست استدلال کرد: حضرت مهدی (عج) برای توسعه عدل ظهور می‌کند و این ظهور مستلزم آماده کردن زمینه برای توسعه عدل و فراگیر شدن آن است. در این راستا باید انسانهایی را تربیت و جامعه‌ای را آماده کنیم تا زمینه ظهور آماده شود. زمینه ظهور با فراهم شدن یک حکومت جهانی عادل تحقق پیدا می‌کند. این حکومت جهانی به انسانهای صالح، زمینه‌های

رئیس مؤسسه رواق حکمت با اشاره به وجود دو تصویر منفی و مثبت از فرهنگ انتظار، اصلاح تفکر دینی را ضرورتی برای زمینه‌سازی ظهور اعلام کرد و گفت: خرافات توسط افراد جاهل به حقایق اسلامی و عده‌ای ترویج می‌شود که منافع مادی خود را در توسعه این افکار می‌بینند.

آیت‌الله مهدی هادوی تهرانی رئیس مؤسسه رواق حکمت در گفتگو با خبرنگار مهر با اشاره به اینکه دو تصویر منفی و مثبت از فرهنگ انتظار وجود دارد، گفت: در تصویر منفی فرد منتظر کار خاصی انجام نمی‌دهد؛ بلکه تنها انتظار رخداد اتفاقی را می‌کشد، به استناد برخی روایات که مربوط به شرایط خاصی بوده که ائمه آنها را در رابطه با شرایط و افراد خاصی گفته‌اند این تصور برای عده‌ای به وجود آمده است.

وی در تبیین این مسئله با ارائه یک روایت گفت: برای مثال روایتی درباره زمان آغاز قیام بنی عباس علیه بنی امیه است. شعار بنی عباس دعوت مردم به «رضا من آل محمد(ص)» بود. برخی اصحاب ائمه (ع) عنوان کردند که این شعار اشاره به امامان معصوم دارد. این درحالی است که ائمه از نیت بنی عباس خبر داشتند و به این افراد فرمودند شما به این امور کاری نداشته باشید، در خانه منتظر بمانید و هر وقت زمان قیام قائم ما بود، از خانه بیرون آیید.

رئیس مؤسسه رواق حکمت با اشاره به اینکه چنین روایات برای برخی این تصور را به وجود آورده که باید گوشه گیر و گوشه نشین باشند تا خداوند زمینه را فراهم کند و امام زمان ظهور یابد

دکتر محمد علی آذرشب:

منتظر واقعی جلوتر از زمان حرکت می‌کند

نیستند. منتظر واقعی آن است که نه تنها به گذشته و حال احاطه داشته باشد بلکه به آینده فکر و جلوتر از زمان خود حرکت کند. محمد علی آذرشب گفت: یکی از نتایج مهم ارتقای فرهنگ مهدویت این است که انسانها را استوار، محکم و ثابت قدم می‌سازد چرا که انسان مهدوی می‌داند آینده بشریت از آن آرمان خود خواهد بود، بنابراین هیچ تزلزل، دودل و عقب‌نشینی در مقابل جبهه کفر و استکبار، اربابها، تهدیدها، تهاجم فرهنگی نخواهد داشت.

وی همچنین گفت: ویژگی‌های آینده‌نگری، آرمانهای بزرگ، استواری و ثابت‌قدمی در میان منتظرین واقعی مکتب مهدوی در طول تاریخ تشیع مشاهده شده است که در زمینه فکر و اندیشه، نوآوری، تمدن‌سازی افراد بسیاری در این راستا حرکت کرده‌اند که یکی از برکات اندیشه مهدویت بوده است.

مشاور امور بین‌الملل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تصریح کرد: ارتقاء فرهنگ مهدویت در جامعه به ایجاد اندیشه‌های آینده‌نگری منتهی می‌شود، چرا که مهدویت به آینده ارتباط دارد. فکر انسان مهدوی به آینده معطوف است و اگر به گذشته و حال نیز فکر می‌کند آن را سکوی پرشی به آینده می‌داند. این اندیشه‌های آینده‌نگر، اگر در وجود انسانها رسوخ یابد، انسانها جلوتر از زمان خود حرکت می‌کنند. وی آینده‌نگری را مسئله مهمی دانست که ویژگی تمام حرکت‌های تمدن‌ساز است و در ادامه اضافه کرد: اندیشه مهدویت یکی از اندیشه‌های مهم آینده‌سازی است، چرا که به آینده اندیشیده و خواهان اصلاح آینده است. این اندیشه موجب حرکت انسانها به سمت جلو است. متأسفانه بسیاری از افرادی که مدعی پیروی از اندیشه مهدویت هستند از زمان حال خود مطلع

آذرشب گفت: رابطه مکتب اهل بیت(ع) با حضرت مهدی (عج) یکی از مهمترین ویژگی‌های این مکتب است. تداوم، قدرت و پویایی این مکتب از مهدویت سرچشمه گرفته است. اگر مهدویت در جهت واقعی و صحیح خود قرار گیرد انسانها را برای آرمانهای بزرگ تربیت می‌کند. چرا که ظهور حضرت ولی عصر یک آرمان بزرگ است. انسانها وقتی وابسته به آرمانهای بزرگ می‌شوند تمام رفتارهای خود را براساس آن شکل می‌دهند.

وی با اشاره به اینکه در چارچوب مهدویت به بزرگترین آرمانها وصل می‌شویم که آن عظیم، دولت جهانی الهی است تأکید کرد: اگر گاهی با افرادی رو به رو می‌شویم که ادعای پیروی از فرهنگ مهدوی را دارند اما در زندگی خود به دنبال آرمانها و هدفهای کوچک و آرمانهای نفسانی هستند در جهت مهدویت حرکت نمی‌کنند.

مشاور امور بین‌الملل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با تأکید بر اینکه فرهنگ مهدویت باید از پیوندهای خرافی به دور بماند، بر ضرورت آگاهی منتظر واقعی از گذشته، حال و آینده تأکید کرد و گفت: انسان منتظر که به آینده‌ای درخشان امید دارد، استوار و تزلزل‌ناپذیر است.

دکتر محمد علی آذرشب در گفتگو با مهر در رابطه با فرهنگ انتظار و ارتقای آن در جامعه، فعالیت‌های انجام شده در رابطه با مهدویت را مثبت ارزیابی کرد و اظهار داشت: این فعالیتها با هدف ایجاد پیوند میان انسانهای معتقد به مکتب اهل بیت و حضرت مهدی موعود انجام می‌شود.

وی افزود: جهت این این پیوندها باید مشخص شود، گاهی این پیوندها جهت عاطفی و گاهی جهت انحرافی دارد و به جای تحقق هدفهای انتظار، در جهت عکس این اهداف حرکت می‌کند.

معرفی کتاب های جدید مرکز اسناد انقلاب اسلامی

۱- فرهنگنامه رجال روحانی عصر امام خمینی (ره) "جلد اول": فرهنگنامه



رجال روحانی عصر امام خمینی که با هدف مطالعه نقش روحانیت مبارز و مبرز شیعه در به ثمر رساندن انقلاب اسلامی تدوین گردیده است، شرح حال زندگی شخصیت های برجسته ای است که در دوره سیاه استبداد و خفقان رژیم پهلوی شالوده مقاومت پایان ناپذیری را پی ریزی کردند که سرانجام در تلاطم امواج خروشان مردمی به سرنگونی رژیم پهلوی انجامید و از پی فرسودگی ارکان هیأت مستبد، استقرار نظام دینی و سازمان سیاسی جدیدی را در پهنه ایران اسلامی محقق ساخت. در این مجموعه که با هدف ضبط وقایع و تاریخ نگاری انقلاب اسلامی تهیه و تنظیم شده، خواننده با افکار، عقاید، خاستگاه طبقاتی و اجتماعی روحانیت انقلابی آشنا می شود و ضمن بازخوانی وقایع تاریخ انقلاب اسلامی، به تصویر روشن تری از تعلقات فکری، خلقیات

روحی و فردی و مناسبات سیاسی - اجتماعی رهبران، اعضای فعال و کارگزاران اجرایی آن دست می یابد.

۲- شهید ابوالحسن کریمی (سردار حزب الله گیلان): شهید



ابوالحسن کریمی در سال ۱۳۲۷ در خانواده ای مذهبی در لاهیجان به دنیا آمد و تحصیلاتش را تا مقطع دیپلم در آن شهرستان به پایان رسانید. پس از آن وارد دانشگاه تهران شد و در رشته اقتصاد به ادامه تحصیل پرداخت. شهید کریمی از همان دوران دبیرستان به مبارزه با رژیم مشغول گردید و در کنار آیت الله قربانی و امیراسلام انصاری در کانون بحث و انتقاد مذهبی جوانان لاهیجان فعالیت نمود. بعد از پیروزی انقلاب ایشان به فرمانداری لاهیجان منصوب شد و مدتی بعد با حکم آیت الله قدوسی، دادستان کل انقلاب گیلان گردید. پیروی از ولایت فقیه، مبارزه و سازش ناپذیری با ضد انقلاب و خدمت به مردم محروم و مستضعف از جمله

شخصه های مدیریتی وی در مقام فرماندار و دادستان می باشد. وی سرانجام در ۱۳ فروردین ۱۳۶۵ توسط منافقین به شهادت رسید.

۳- روشنفکری دینی: لیبرال یا دین مدارا؟: این تحقیق نشان می دهد که



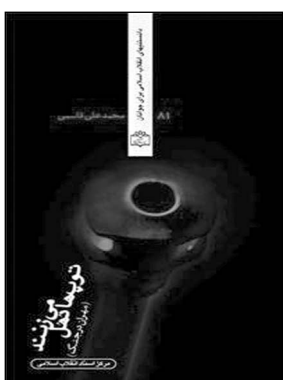
چارچوب مفهومی و گفتمانی جریانانات مختلف لیبرال دینی در ایران و انشعابیون تجدیدنظرطلبی که به صورت نظری یا عملی از نظام جمهوری اسلامی جدا شده اند و یا در آینده جدایی شوند، برخلاف عناوین و صفت های دینی به کار گرفته توسط آنها، لیبرالی، سکولار و خارج از گفتمان دینی می باشد و به موازات یا در مقابل نظام جمهوری اسلامی قرار دارد. بیشتر اعضای این جریانات، علی رغم ادعای الزام به قانون اساسی، مکرر اعلان می کنند که به برخی اصول آن از جمله اصل ولایت فقیه که مبنای مشروعیت، اقتدار و وجه تمایز اصلی این نظام با جمهوری های غیردینی است، اعتقاد

ندارند و... ۴- ۸۸/۱۰/۹ نه ده: در علم سیاست



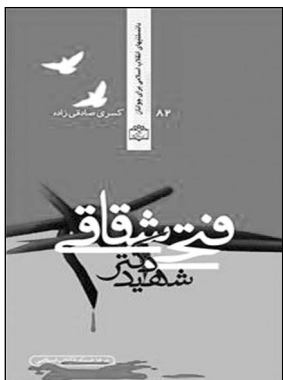
گفته می شود گاه نخبگان سیاسی مانع توسعه سیاسی می شوند که بی شک حوادث پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم مصداق عینی این سخن است. در حالی که شرکت چشمگیر مردم در انتخابات نویدبخش شکل گیری فضایی آرام برای جامعه بود تا با قوت و طراوت بیشتر به تحقق آرمان های انقلاب اسلامی پرداخته شود، مع الاسف اعتراض به نتیجه انتخابات و طرح شایعه تقلب و موضع گیری غیرشفاف و دو پهلوی نخبگان باعث شکل گیری فضای متشنجی گردید که از آن با عنوان 'فتنه' یاد شد. این جو ناآرام میدان آزمایشی نیز برای بسیاری از نخبگان بود تا نسبت خود را با خط ولایت مشخص سازند. ملت ایران در پاسخ به گستاخی فتنه گران حماسه ۹ دی را آفریندند و نقطه پایانی بر هشت ماه متشنج گذاشتند.

۵- توپ ها دهل می زنند، مهران در جنگ: این اثر از مجموعه دانستنی



های انقلاب برای جوانان می باشد که شهر مهران را در جنگ تحمیلی به تصویر می کشد.

۶- دکتر شهید فتحی شقاقی: این



اثر از مجموعه دانستنی های انقلاب برای جوانان می باشد که زندگی دکتر شهید فتحی شقاقی را ترسیم می کند.

بر گستره کتاب و سنت؛ تألیف علامه عسکری

آثار علامه سید مرتضی عسکری، عمدتاً در سراسر جهان اسلام، شهرت خاصی یافته و به زبان های گوناگون، ترجمه و منتشر شده اند. سعی در معرفی درست اسلام، و پرهیز از تعصبات مذهبی در دفاع از مذهب تشیع، و نیز استناد به ادله مورد قبول

فریقین (شیعه و سنی)، موجب شده که آثار وی، این گونه شاخص و ممتاز باشند.

برگستره کتاب و سنت (ترجمه علی مائده الکتاب و السنه)، یکی از آثار گرانبهای علامه عسکری و مشتمل بر هفده مجموعه نسبتاً

۶. توسل به پیامبران خدا و تبرک به آثار ایشان؛

۷. بزرگداشت یاد انبیا و بندگان صالح خدا؛

۸. حکم بازسازی قبور انبیا و اولیا و عبادت در آنها، که دلایل معتقدان به تحریم ساخت بنا بر قبور را طرح و رد کرده است؛

۹. گریه بر میت، در بررسی سنت پیامبر خدا در این باره؛

۱۰. آیه تطهیر در کتب دو مکتب، شامل نقل حدیث کسا به روایت مکتب خلفا، سپس شرح الفاظ آیه تطهیر و احادیث مربوط به آن؛

۱۱. تاریخ حدیث پیامبر (ص)، شامل مقدمه ای درباره ارزش حدیث در شریعت اسلام، بحثی در باره تاریخ حدیث در مکتب اهل بیت (ع) و مکتب خلفا، و بحثی مفصل در تعریف و تبیین وحی قرآنی و وحی بیانی؛

۱۲. امام علی (ع) در قرآن که نگارنده با استناد به مهمترین منابع تفسیری و روایی دو مکتب، آیات مرتبط با موضوع را در دوازده گروه، طبقه بندی مینماید که عبارتند از: آیاتی که در باره امام علی (ع) نازل شده است، مانند: آیه های انفاق، ایتار و مباحله؛ آیاتی که با استناد به روایات، شأن نزولشان در باره اهل بیت (ع) معلوم میگردد؛ آیاتی

کوچک است که هر یک پیش از این به صورت مجزا و در قطع جیبی به چاپ رسیده اند.

این مجموعه، شامل پاسخ های علامه به برخی سوالات اعتقادی و نیز شبهات وارد شده بر مکتب اهل بیت (ع) است که بر اساس روش ویژه ایشان، بیشتر با استفاده از منابع معتبر اهل سنت، فراهم آمده است. علامه، پس از مقدمه کوتاهی با عنوان 'وحدت بر محور کتاب و سنت'، در مجموعه ای هفده گانه به این موضوعات پرداخته است:

۱. صلوات بر محمد و آل محمد (ص)، شامل ۲۲ روایت در فضیلت و کیفیت صلوات بر پیامبر و خاندان او؛

۲. مصحف در روایات و اخبار، شامل بحثی در باره جدا سازی قرآن (وحی قرآنی) از حدیث رسول خدا (ص) (وحی بیانی)؛

۳. امامان این امت، دوازده نفرند، شامل روایاتی از پیامبر خدا در باره تعداد امامان (ع)؛

۴. شیعیان اهل بیت پیامبر (ص)، که پس از معرفی اهل بیت پیامبر اکرم، به این پرسش، پاسخ داده که: شیعیان اهل بیت، کیان اند؟

۵. عصمت انبیا و رسولان؛

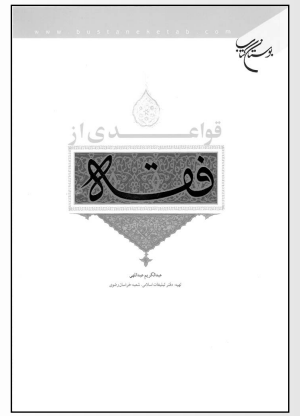
معرفی کتب انتشارات بوستان کتاب

پژوهشی در آیین مسیحیت

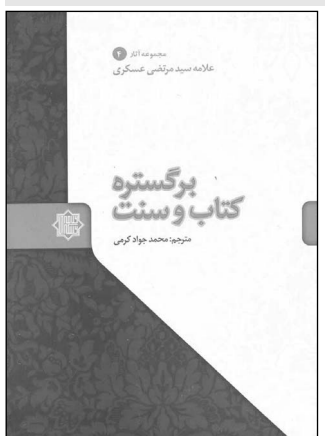


نویسنده: کامل خیرخواه
نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۸
شمارگان: ۱۵۰۰
بها: ۸۰۰۰ تومان

قواعدی از فقه



نویسنده: عبدالکریم عبداللهی
تهیه: دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی
شمارگان: ۱۲۰۰
بها: ۶۷۰۰ تومان



که در باره امام علی (ع) و پیروان او نازل شده است؛ و...

۱۳. عدالت صحابه، شامل تعریفی از 'صحابی' در دو مکتب خلفا و اهل بیت (ع)، ضابطه شناخت اصحاب در مکتب خلفا، و دیدگاه مکتب اهل بیت (ع) در باره عدالت صحابه؛

۱۴. بدا یا محو و اثبات الهی؛

۱۵. جبر و تقویض و اختیار، و قضا و قدر؛

۱۶. خداوند جلیل در دو مکتب، در بررسی منشأ برخی اختلاف نظرها در باره صفات خداوند در مکتب خلفا، و بیان دیدگاه مکتب اهل بیت (ع) در این باره؛

۱۷. ازدواج موقت در اسلام.

حسین گودرزی - موسسه علمی فرهنگی علامه عسکری

معرفی کتاب

مصلح جهانی، از دیدگاه شیعه و

اهل سنت



نوشته شیخ عبدالمحسن العباد و سید ابوالاعلی مودودی
ترجمه و تحقیق: سید هادی خسروشاهی

این اثر که گفتمان برجسته اسلامی به حساب می آید و همه مذاهب اسلامی - به ویژه شیعه - بر آن تأکید می ورزند، حاصل

پژوهش ها و تلاش های علمی استاد سید هادی خسروشاهی است که ضمن سفرهای گوناگون وی به کشورهای و ملاقات با دانشمندان، برجسته ترین آرای آنان را درباره 'مصلح جهانی' با قلمی روان، پیش روی خواننده گذاشته و شبیه ها را با منطق و استدلال، پاسخ گفته است.

کتاب 'مصلح جهانی، از دیدگاه شیعه و اهل سنت' شامل پنج فصل و دو مقدمه است. مقدمه اول درباره معرفی کتاب و چگونگی تألیف و ترجمه مباحث آن است و به سه نکته اساسی اشاره دارد. نکته اول به بررسی موضوع طول عمر امام زمان (عج) با معیارها و مقیاس های متداول می پردازد و نکته دوم برداشت غیر صحیح حافظ ابن کثیر شافعی در مورد سرداب سامرا را بیان می کند و نکته سوم به 'تحریف گفته های امام خمینی (ره) درباره مهدی موعود (عج) مربوط می شود که با توجه به این که اصل کتاب در داخل و خارج، مورد توجه اهل سنت قرار خواهد گرفت، اثر حاضر، اشاره ای کوتاه و مستند به هر سه موضوع کرده و به روشن گری دست زده است.

مقدمه دوم کتاب، به معرفی ۵۰ کتاب جدید درباره 'مساله مهدی (عج)' و 'علائم ظهور' می پردازد که در یک سفر کوتاه زیارتی، تهیه شده است. 'مصلح بزرگ و جهانی'، عنوان نخستین فصل این کتاب است که به مساله 'فوتورسیم' یعنی اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور منجی غیبی و مصلح جهانی و بزرگ می پردازد. این موضوع، از جمله مسائلی است که در اصول عقاید شیعیان، جایگاه مهمی دارد.

عنوان فصل دوم کتاب 'مصلح جهانی، مهدی موعود (عج)' نام دارد. اسلام که آخرین و کامل ترین ادیان آسمانی است، برای مساله مهدی موعود (عج)، اهمیت خاصی قائل شده و بیشتر از ادیان و مذاهب دیگر، آن را تبیین و تشریح کرده است.

همچنین علاوه بر آیات، بیش از سه هزار روایت و حدیث در این مساله و موضوعات مربوط به آن از پیغمبر اکرم (ص) و ائمه هدی (ع) نقل شده است.

فصل سوم به 'دیدگاه اهل سنت درباره مهدی منتظر (عج)' می پردازد. در بخشی از این فصل آمده است: 'مساله مهدی موعود (عج)، از جمله مسائلی است که ارتباط ریشه ای با اصول اعتقادی - اسلامی دارد. اندیشمندان و پژوهشگران طراز اول مسلمان، از فرقه ها و مذاهب گوناگون در گذشته های دور، با استناد به روایات و احادیث منقول از پیامبر (ص)، به بحث و بررسی چگونگی این مساله پرداخته و آن را مورد توجه ویژه قرار داده اند. اگر امروز محققان مسلمان به آثار و نوشته های پیشینیان اهل سنت درباره این مساله رجوع کنند، به خوبی در می یابند که این مساله پیش از آن که مربوط به 'مذهب شیعه' باشد، یک مساله عام اسلامی است.'

توضیح درباره احادیث مهدی (عج) عنوان فصل چهارم این اثر است که به حادثه محرم سال ۱۴۰۰ هجری قمری و اشغال مسجدالحرام، توسط گروهی به فرماندهی 'جهیمان' اشاره می کند و ضمن رد حرکت آنها، به پاره ای از پرسش های منکران که آیا احادیث پیامبر (ص) درباره حضرت مهدی (عج) و ظهور وی در آخرالزمان صحت دارد یا نه، پاسخ داده است.

عنوان آخر این کتاب، 'احیاگر جهانی یا مهدی منتظر (عج)' نوشته استاد سید ابوالاعلی مودودی است که در این چاپ به کتاب اضافه شده و به مباحث نظریه امام مهدی (عج)، نشانه های مهدی و جایگاه او در دین، مساله مهدی و پژوهشی درباره حدیث رجال می پردازد.

چاپ جدید کتاب 'مصلح جهانی، از دیدگاه شیعه و اهل سنت' در شمارگان ۱۵۰۰ نسخه، ۳۰۰ صفحه و بهای ۴۰۰۰۰ ریال راهی بازار نشر شده است.

آیت الله امجد:

عدالت و «نهادینه شدن انتقاد»



نور آنها هدایت می شد. ... روش آنها عملی بود نه حرفی...! همه مشکلات بشر از این است که بشر ساخته نشده است و ... تمام تکالیف الهی برای آن است که بشر ساخته شود. انبیاء پیش از اینکه مأمور ساختن جامعه باشند مأمور ساختن خود بودند. انسان باید از خود شروع کند. اگر شما ساخته شوید جامعه ساخته می شود. اگر انسان ساخته شد همه چیز درست می شود...!

من تا تربیت نشده باشم نمی توانم تربیت کنم. به عنوان مثال در منزل فرض کنید شما می خواهید مطالعه کنید و فرزند شما می خواهد تلویزیون تماشا کند و مزاحمت بین این دو کار ایجاد می شود. اگر شما به خاطر خودتان فرزند خود را از تماشای تلویزیون منع کنید، تهنذیب نشده اید! و با زور و یا از روی ترس او را مجبور می کنید که از حق خود صرف نظر کند آنگاه این بچه یا زبون بار می آید یا عصیانگر! حال اگر شما تهنذیب شده بودید با ترجیح خواست او بر خودتان عملاً او را تربیت می کردید و تهنذیب شما در او نیز اثر می کرد. تربیت جامعه نیز همین است. اگر سوگو نباشیم جامعه تربیت می شود. بیشتر گرفتاریهای ما از سوگو جویی است و حاضریم به خاطر نام و نان به هر ذلتی تن بدهیم! یک بام و دو هوا نمی شود. معروف است. منتها جامعه باید معروف را به عنوان معروف بپذیرد. پذیرش معروف به صورتهای مختلفی نظیر قانون یا تبلیغ امکان پذیر است. تذکر وظیفه همه است اما جلوگیری عملی و کیفر وظیفه حکومت است. دین اسلام دین حریت است و حکومت اسلامی حکومت حریت و آزادی! در دین اسلام بین مردم و حکومت وظیفه متقابل وجود دارد.

امربه معروف و نهی از منکر وظیفه همه است و وظیفه اداره یا قشر خاصی نیست. تحقق این وظیفه نیاز به عزم ملی دارد. ابتدا باید تعلیم داد و سپس جلوگیری کرد. منتها کیفر بر عهده حکومت است و نباید هرکس به این بهانه با کسی برخورد کرده یا آبروی افراد را ببرد و هرج و مرج ایجاد شود. نیاز به علم دارد و باید احتمال تاثیر داشته و مفسده نداشته باشد. همه افراد جامعه باید اهمیت بدهند...

هزینه های آزادی بالا است و لذا نباید باعث ایجاد مفسده شود. البته اگر جلوگیری از آزادی باعث مفساد شود از مصادیق منکر است. بحث آزادی مفصل است و لذا باید دقت کرد که مثلاً آزادی بیان به نهادینه شدن نقد منجر شود نه به نق و نق. نقد نهادینه با برخورد سلیقه ای و نق و نق فرق دارد. چیزی قابل محبت است که افول نداشته باشد و هر چیزی که افول کند قابل محبت نیست. به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من / چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا. حالا اگر کسی با ما مخالفت کند نانش را می بریم.

مرحله اول اخلاق اسلامی تهنذیب نفس خود است. افراد ابتدا باید خودشان را بسازند و آتش را از خودشان دور کنند و سپس به تدبیر منزل و نزدیکان خود بپردازند و بعد از آن اداره و تدبیر جامعه و دور کردن آتش از جامعه است. انسان کامل کسی است که این سه مرحله را طی کند. وظیفه حکومت اسلامی اداره جامعه و سوق دادن آنها به سوی توحید است و ... انبیاء از خود شروع کردند و پس از اصلاح خانواده خود به اصلاح جامعه می پرداختند. آنها بر اثر تهنذیب نفس مانند خورشید می درخشیدند و هر کس مستعد بود از شعاع

امر به معروف و نهی از منکر عزم ملی می خواهد و تنها وظیفه حوزه، دانشگاه و ... نیست و هیچ کس نمی تواند از خود سلب مسئولیت کند و بی تفاوت باشد.

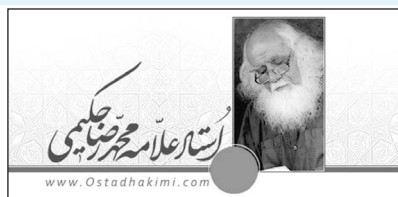
موضوع امر به معروف و نهی از منکر در بخش جهاد مطرح شده است و در صورتی که ترک شود ظالم حاکم می شود لذا بخشی از امر به معروف و نهی از منکر باید از موضع قدرت و حکومت انجام شود.

به نقل از علی (ع) امر به معروف و نهی از منکر یکی از بالاتر درجات جهاد دانسته شده است و این اهمیت این فریضه را نشان می دهد. دفع ظلم یا گسترش عدالت و ... راه فراگیر شدن آن 'نهادینه شدن انتقاد' در جامعه است. این انتقاد نهادینه از یک طرف باعث جلوگیری نق و نق و از طرفی از بی تفاوتی جلوگیری می کند.

اگر عده ای خاص خود را متولی امر به معروف و نهی از منکر بدانند و تندروی کنند این خطر ... وجود دارد. اولاً باید عزم ملی وجود داشته باشد. ثانیاً تندروی به هیچ عنوان جایز نیست و باید مراتب این فریضه رعایت شود. برخوردها نیز نباید سلیقه ای باشد و باید شرایط آن وجود داشته باشد. سه شرط لازم برای امر به معروف و نهی از منکر عبارتند از: علم، تشخیص مصلحت و نفی مفسده. این کار سلیقه ای نیست و گرنه هرج و مرج می شود.

پیش شرطهایی برای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه لازم است که عبارتند از: مساوی بودن افراد، آزادی بیان و احتمال تاثیر. و لذا امر به معروف و نهی از منکر در جامعه آزاد و آگاه موثر واقع می شود و اگر آزادی و آگاهی در جامعه ای وجود نداشته باشد باید این معروف (آزادی و آگاهی) را ترویج کرد و جامعه را از جهالت نهدی کرد.

انتشار آثار استاد محمد رضا حکیمی در فضای مجازی



موسسه بارش، پایگاه آثار محمد رضا حکیمی را به منظور آشنایی کاربران با آثار وی راه اندازی کرد.

به گزارش خبرگزاری رسا، موسسه فرهنگی هنری بارش، به مناسبت اعیاد شعبانیه، پایگاه استاد حکیمی را در فضای مجازی راه اندازی کرد. این پایگاه که با تمرکز بر آثار منتشره استاد حکیمی، آغاز به کار کرده از بخش های گوناگونی برخوردار است.

درباره استاد، کتابخانه، مقالات، ایده ها، اخبار و اطلاعیه ها، گالری فیلم، گالری صوت، گالری تصاویر از قالب هایی است که در این پایگاه مجازی برای آرایه اطلاعات در نظر گرفته شده است.

از نکات قابل توجه در این پایگاه، توجه ویژه به کتاب الحیاه علامه حکیمی است که موجب شده بخش مجزایی برای آن در نظر گرفته شود که شش جلد ترجمه الحیاه در آ بارگذاری شده و قرار است متن الحیاه، تلخیص الحیاه، بازتاب های الحیاه به زودی در این قسمت قرار گیرد.

در بخش مقالات درباره کتاب الحیاه از زبان

احمد آرام، مترجم کتاب می خوانیم: طرح تألیف الحیاه بسیار طرح پسندیده ای است. مؤلفان نشسته اند فکر کرده اند، و برای خدمت به اسلام این طرح را ریخته اند. آدم در زندگی احتیاجاتی دارد، در این کتاب بر حسب این احتیاجات فصل هایی آورده اند. از جمله این که اساس دین قسط است. و خیلی چیزهای دیگر در کتاب هست. من خوشحالم که مردم این ها را می خوانند، و باید این ها را بخوانند. این از هر تفسیری برای این مردم بهتر است، برای این که تقریباً نیمی از قرآن را آورده، و آیات راه دانه دانه، شکافته.

در الحیاه قرآن مطرح می شود. از ویژگی های این کتاب این است که همه آن اشکال هایی که راجع به اسلام مسائلی مطرح می کنند از بین می برد. چون خودشان با جوانان محشور بوده اند، و مردمی پاکیزه اند، این سوالات را پیدا کرده (در طی فصول کتاب و توضیحات) پاسخ داده اند.

آقای حکیمی گفت، پانویس ها را خودم ترجمه می کنم، شما زحمت آنها را نکشید. در این کتاب درباره انفاق از هر لحاظی صحبت شده است، هر چه شما فکر کنید در این کتاب هست: اخلاق اسلامی، اقتصاد اسلامی، اجتماعات اسلامی و ... علاقمندان برای مطالعه ای آثار علامه حکیمی می توانند به نشانی <http://ostadhakimi.com> در فضای مجازی مراجعه کنند.

مجموعه سایت های مرکز:

سایت مرکز بررسی های اسلامی

www.iscq.ir

سایت استاد خسروشاهی

www.khosroshahi.org

سایت سید جمال الدین اسدآبادی:

www.moslehesgharh.com

سایت تحلیلی - خبری بعثت

www.besatonline.com

بعثت

نشریه مرکز بررسی های اسلامی

دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیر مسوول:

سید هادی خسروشاهی

دفتر مرکزی:

قم: خیابان شهدا (صفائییه) نیش ممتاز

تلفکس: ۷۷۴۱۴۲۳

صندوق پستی: ۱۳۶

چاپ: سپهر

پست الکترونیکی:

Besatonline@gmail.com